



فصلنامه اردو

لومړۍ گڼه ۱۴۴۴ هـ ق کال
د جمادى الثاني اور جب المرجب مياشت
د ۱۴۰۱ هـ ل کال د جدى اولوى مياشت

ارگان نشراتي وزارت دفاع ملي

پدې گڼه کې...

اقتدار ديني بايد داشت

په افغانستان کې د دفاع وزارت اوسنى بهير

فاتح مشرق

سيره نظامي پيامبر(ص)





وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
 الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ
 مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْمُوا لَهُمْ اللَّهُ يُعَلِّمُهُمْ وَمَا
 تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ
 لَا تظالمُونَ ﴿٦١﴾ (سوره انفال)

برای (مبارزه با) آنان تا جایی که می‌توانید
 نیروی (مادی و معنوی) (از جمله) اسب‌های
 ورزیده آماده سازید تا بدان (آمادگی و ساز و
 برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را
 بترسانید و کسان دیگری جز آنان را نیز به
 هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا
 آنان را می‌شناسد. هرآنچه در راه خدا (از جمله
 تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی
 اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال
 به شما داده می‌شود و هیچ‌گونه ستمی به
 شما نمی‌شود.



سرمقاله

- اقتدار دینی باید داشت..... ۱-۴
د ملی دفاع وزارت کلنی کرنی او لاسته راورنی..... ۴-۷

یادداشت ها

- اردو قوی ضامن بقای امارت اسلامی ۸
ازگورستان به گلستان ۹
په افغانستان کی د دفاع وزارت اوسنی بهیر..... ۱۰-۱۱
دیوی مخکینی اسلامی اردو روزل..... ۱۲-۱۳
فاتح مشرق..... ۱۴-۱۷
اعداد د اسلام له نظره ۱۷-۱۹
وخت او ورسره زموږ غفلت..... ۲۰

مقالات

- پیوند دین و سیاست..... ۲۱-۲۴
آموزه های سیره نبوی در عرصه سیاست بخش اول..... ۲۵-۳۰
تمدن اسلامی بخش اول..... ۳۱-۳۲
واعدوالهم ماستطعم من قوه..... ۳۳-۳۴
سیره نظامی پیامبرص..... ۳۵-۳۶

مصاحبه

- مصاحبه اختصاصی با رئیس ارکان ستردرستیز..... ۲۷-۲۸
د ملی دفاع وزارت د حمایی او امنیت لوا د قومندان سره مرکه..... ۲۸-۴۰

دلنوشته ها

- دربحوجه انقلاب..... ۴۱
خاطرات یک مجاهد..... ۴۲
وقتی به گذشته های می نگرم..... ۴۳

اشعار

- مرد حر ۴۴
شعر پښتو..... ۴۴

د امتیاز خاوند: د ملی دفاع وزارت
د تاسیس نیټه: ۱۲۹۹ ل م کال

لومړۍ گڼه ۱۴۴۴ ه ق کال

جمادي الثاني او رجب المرجب میاشت
د ۱۴۰۱ ل کال د جدی او دلو میاشت

مدیر مسؤل:

مولوی سمیع الله (ساویر)

موبایل: 0706790884

PBX: 2671450

سکرتر مسؤل:

عبدالاحد (مدیر)

هیئت تحریر:

مفتی محمد (بشار)
مولوی محمد آقا (مسلم)
مولوی عبدالناصر (فاتح)
مولوی نور احمد
محمد آغا (حیدری)

دیزاین او کمپوز:

عزت الله (محمدی)

تخنیکي همکار:

خوشحال همت (بابکرخیل)

وبسایت: mod.gov.af

نیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: مطبعه ریاست مخابره ستر درستیز



اقتدار

دینی باید داشت



سرمقاله

قوت و توانایی یکی از شعارها و رهنمودهای اسلام در همه برنامه‌ها و قوانین خویش است. قرآن به صراحت مسلمانان را بسوی قدرت‌مند شدن فرا می‌خواند: (واعلوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم) انفال / 60 "برای مقابله با آنها تا آنجا که می‌توانید نیروی مادی و معنوی از جمله اسب‌های ورزیده فراهم کنید، تابه وسیله آنها در دل دشمنان خداوند و دشمنان خودتان هراس ایجاد نمائید" یعنی نیرویی که امت اسلامی تدارک می‌بیند باید دشمن را مرعوب سازد و این محقق نخواهد شد مگر در صورتی که توانایی نیروی مسلمانان بیشتر از توان کفار باشد تا آنها جرات تعرض به حکومت اسلامی را نداشته باشند و آنان را از امکان کسب پیروزی در صورت حمله مایوس و ناامید سازد. آماده سازی چنین نیروی هراس افکن علیه دشمن امری ضروری است؛ چرا که

اعتماد داشتن برای دل خوش کردن به حقانیت خویش و بطلان حریف برای کسب پیروزی کمک نمی‌کند، اولین منزلت از منازل قدرت، توانایی در عرصه ایمان و عقیده و پس از آن قدرت اتحاد و همدلی و به دنبال آن دو قدرت اسلحه و قوای مسلح است. حرکتی را که در همه این زمینه‌ها قوی نباشد، نمی‌توان جماعتی نیرومند نامید.

آماده سازی نیروی مجهز، با روحیه ایمانی یک وجبیه اسلامی است:

مهیّا کردن ارتش برای امت اسلامی از آنجا که بدان امر شده است، یکی از وظایف دینی است. صیغه امر هم قاعدتاً و جوب را لازم می‌نماید، مگر در صورت وجود قرینه‌ای باز دارنده، که البته در امر تهیه نیرو و ابزار جنگی، هیچ قرینه صارفه‌ای وجود ندارد. به همین سبب حکم واجب باقی می‌ماند: (واعلوا لهم ما استطعتم من قوة)

تربیت ارتش ورزیده از شاخه‌های تدارک نیروست: آموزش نظامیان مسلمان و آماده‌سازی ایمانی آنها براساس باورهای اسلامی، آماده سازی مادی آنها با مهارت‌های استفاده از سلاح‌های مختلف، فنون نظامی و نیز شرکت دادن مجاهدین در مانورهای متناوب به منظور حفظ نشاط

آنها و جلوگیری از فراموش شدن آموخته‌های پیشین همه و همه از لازمه‌های داشتن یک ارتش فعال اسلامی می‌باشد. از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده که فرمودند: "هرکس تیراندازی را فرا گیرد، سپس آن را ترک کند از ما نیست" یا فرمودند: مرتکب گناه شده است" (مسلم) برخی براین باورند که اسلام دعوت و رسالتی است که کار آن ایجاد ارتباط میان خداوند و انسان است و هیچ ارتباطی با پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ندارد ولی این اندیشه، نادرست، غیرعلمی و غیر واقعی است و با قرآن و سنت و عملکرد رسول خدا کاملاً منافات دارد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اسلام فراگیری و شامل بودن آن بر همه امور مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... است. خداوند در آیه 25 سوره حدید این مسئله را واضح می‌سازد.



لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ترجمه: ما پیامبران خود را همراه با دلایل روشن و معجزات اش (به میان مردم) فرستادیم و همراه با آنان کتابهایی (آسمانی) دربرگیرنده قوانین و روش زندگی (موازی) را (برای شناسایی حق و عدالت) نازل نمودیم. تا مردم (بر اساس آنها) به عدالت و دادگری رفتار کنند. و آهن را (که اسباب قدرت و حکومت است) فرستادیم که در آن توانایی بسیار است و منافع فراوانی را برای مردم در پی دارد تا خداوند بداند که چه کسانی در پنهان و آشکار پیامبران را یاری می دهند). مام الدعوة سید ابوالحسن ندوی می گوید: معتقدم باید قدرت داشته باشیم. در باره خودم به صراحت عرض می کنم که لحظه‌یی از لحظات زندگی از آن گروه نبوده‌ام که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند و نه از کسانی که دین اسلام را در هر زمان، طوری تفسیر و توجیه می کنند که با هر نظامی (هر چند غیر اسلامی باشد) سازگار باشد و با هر جامعه‌یی سازش نماید و نه از کسانی هستم که سیاست را الشجرة الملعونة تصور می کنند. واقعیت این است که من در خط مقدم گروهی قرار دارم که هدفشان ایجاد درک و فهم درست سیاسی در میان مسلمانان و تربیت و جهت‌دهی آنهاست؛ تا در آینده هدایت

جامعه را به عهده گیرند. از آن افرادی هستم که معتقدند مادامیکه قدرت در اختیار دین نباشد و نظام حکومت بر اساس اسلام استوار نگردد، جامعه مطلوب و ایده آل اسلامی به وجود نخواهد آمد. این شاء الله تا آخرین لحظات زندگی، برای تحقیق این نظریه تلاش خواهم کرد و مردم را با تمام توان خود بسوی آن فرا خواهم خواند. البته این نکته حائز اهمیت است که بدانیم از چه نقطه‌ای باید آغاز کرد و ترتیب کار چیست؟ حکمت دین و فهم درست آن، تقدیم یا تأخیر چه موضوعی را ایجاب می کند و بالاخره وضعیت کنونی چه چیزی را اقتضای نماید.

عرصه های مهم اقتدار

اسلامی: برای داشتن یک اقتدار قوی دینی بخش های را می توان در نظر گرفت که در ذیل به آن اشاره می شوند:

1. اقتدار علمی:

اقتدار علمی، از جانب یک رهبر سیاسی یا یک گروه یا یک نظام سیاسی بر پایه دانش، تخصص و عقلانیت و فن آوری در سطوح مختلف داخلی و بین المللی اعمال می گردد. منظور از اقتدار علمی آن دسته از ویژگی هایی است که به علم، ماهیتی از جنس قدرت و اعتبار می دهد. مسلمانان باید در علوم مورد نیاز به اقتدار رسیده و تولید علم بر اساس مقتضیات دینی و عصری را جزو اولویت های ضروری بدانند. طبیعی است اگر مسلمانان در دانش های مورد نیاز خود به بیگانگان نیازمند باشند، دو آسیب جدی بر پیکر جامعه اسلامی وارد خواهد شد: اولاً عزت و اقتدار مسلمانان از بین خواهد رفت، ثانیاً علم و دانش

بدون رعایت تناسب های دینی و ملی به متن جامعه اسلامی وارد خواهد شد. قرآن؛ اولاً عالمان مؤمن را به بلند مرتبگی ستوده و ثانیاً، علم را سرچشمه قدرت سیاسی معرفی کرده است. قرآن در جریان داستان طالوت، علم و قدرت جسمانی او را عامل پادشاهی او معرفی می کند و می فرماید: «و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است». تقدم توانایی علمی بر توانایی جسمی در قرآن، نشان از اهمیت بیشتر آن دارد. اقرآن در داستان سلیمان و انتقال تخت ملکه یمن به سرزمین شام، به قدرت و علم آصف بن برخیا اشاره می کند. در اینجا به روشنی تبیین می شود که قدرت و توان بالای فرد، همراه با علم است، ارتباط میان «علم» و «قدرت» را در جریان داستان داود با جالوت نیز می توان دید. در قرآن آمده است که خدا به داود، پادشاهی و حکمت داد و آنچه می خواست به او بر آموخت.

«پادشاهی»، «جلوه گاه قدرت سیاسی»، «حکمت» و «آموزش خداوند» به داود و سلطنت او همراه با علم و دانش، همه در کنار یکدیگر به کار رفته است. البته در این که قدرت و علم هر دو ارزش آلی دارند، اختلافی نیست در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت و حکومت، جز برای اقامه حق ارزشی ندارد. از این رو؛ علم نیز ارزشی آلی دارد. از نظر اسلام، تولید و تحصیل



4. اقتدار نظامی:



موضوع قدرت و اقتدار نظامی بحثی راهبردی از مباحث اساسی امنیت و روابط بین‌الملل است و یک مسئولیت‌پذیری بزرگ محسوب می‌گردد.

تجربه نشان داده است که اقتدار نظامی بر روند امنیت و همکاری‌ها بین المللی، سیاست، اقتصاد و فناوری تأثیر می‌گذارد. اقتدار نظامی، قدرت موجهی برای دفاع از سرزمین است که مشروعیت دارد و از حوزه‌های قانونی و حقوقی شناخته شده، پذیرفته شده و نهادینه شده در جامعه برخوردار است و اعمال آن از سوی حکومت با استقبال افکار عمومی مواجه می‌شود و مردم با رغبت از آن حمایت می‌کنند. در قرآن مجید بر لزوم حفظ امنیت و اقتدار نظامی جامعه اسلامی به عنوان یکی از مصادیق «قوة» تأکید شده است: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تاپه وسیله آن، دشمن خداونه و دشمن خویشش بترسانید!» اسلام به جنبه‌های مختلف اقتدار پرداخته است. به عنوان نمونه، در جنبه

رهبران بر آن است که نفوذ خود را به صورت اقتدار درآورند که نه تنها مطمئن‌تر و پر دوام تر از اجبار می‌باشد، بلکه عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع سیاسی به راحتی حکومت کند. سیاستمداران با از دست دادن قدرت خود، لزوماً اقتدار خویش را از دست نمی‌دهند، همچنان که با کسب قدرت نیز لزوماً اقتدار تحصیل نمی‌کنند.

3. اقتدار اقتصادی:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار هر کشوری، اقتدار اقتصادی است. اقتصاد به سبب عوامل متعددی، از جمله ارتباط تنگاتنگ با سیاست و اثرپذیری از آن و اثرگذاری بر آن و همچنین اثر مستقیم بر معیشت مردم، که جزء نیازهای اولیه محسوب می‌گردد، همواره نقش بسزایی را در مناسبات جهانی ایفاء کرده و از این جهت است که هرگاه کشورهای غربی، به دلیل قدرت اقتصادی بالا، بخواهند بر کشوری سلطه پیدا نموده و موضوعی را بر دیگر کشورها تحمیل نمایند، از اهرم تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌نمایند؛ زیرا نسبت به گزینه نظامی اولاً هزینه کمتری برای کشورهای تحریم کننده دارد و از طرف دیگر دارای اثرگذاری بالاتری است.

از این‌رو؛ مسلمانان باید با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به خودکفایی برسند؛ به این معنا که توان رفع نیازهای خود را دست‌کم در سطح تولیدات حیاتی و استراتژیک با تأمین سطح مطلوب از رفاه برای افراد جامعه داشته باشند.

علم، تنها مقدمه‌ای است بر اهدافی متعالی؛ اهدافی چون اعلاي کلمه حق. به عبارتی دیگر «انسان باید پیوسته به این مطلب توجه داشته باشد که "مقدمه" به "غایت" تبدیل نشود. باید میان مقدمات و اهداف خلط نکنیم. پس علم در شرایط کنونی نیرویی از نیروها و سلاح‌ها است و باید به تمامی سلاح‌ها در خدمت اسلام مسلح شویم. یکی از سلاح‌هایی که باید در خدمت اسلام به آن مسلح شویم همین علم است؛ یعنی اسلام واقعی را بشناسیم تا در مقام ترویج اسلام و بلند کردن کلمه آن و تبلیغ احکام آن و ایستادگی رو در روی جریان‌های کفرآمیزی که زندگانی مسلمانان را احاطه کرده است و از هر سو و با هر لباسی به عالم اسلام حمله ور شده است، قدرتی در دستمان باشد.

2. **اقتدار سیاسی:** در اندیشه سیاسی اسلام، مسلمانان باید مستقل بوده و تحت سلطه بیگانگان قرار نگیرند. قرآن به صراحت از استقلال سیاسی سخنی به میان آورده، و این واقعیت را از آیات بسیاری می‌توان به دست آورد. قرآن به مسلمانان راهنمایی می‌کند که کافران را ولی خود قرار ندهد، به آنان اعتماد نداشته باشند، از پیروی اهل کتاب و مشرکان، پرهیزند و از افشای اسرار محرمانه به مشرکان خودداری کنند. طبیعی است که نفی گرایش به کفار و مشرکان، به استقلال جامعه انجامیده و راه تقویت قدرت سیاسی مسلمانان را هموار می‌سازد. در سیستم‌های سیاسی همیشه سعی



د ملي دفاع وزارت کښې کرنې او لاسته راوړنې



اقتدار نظامی توصیه می‌کند
 «و قاتلوا فی سبیل الله الذین
 یقاتلونکم و لا تغتدوا» و در راه
 خدا، با کسانی که با شما می
 جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز
 نکنید»؛ بقره، 190 و از «و أعدوا
 لهم ما استطعتم من قوه و
 من زیاط الخیل ترهبون به
 عدو الله و عدوکم» هر نیرویی در
 قدرت دارید، برای مقابله با
 آنها (دشمنان)، آماده سازید! و
 [همچنین] اسب‌های ورزیده
 [برای میدان نبرد]، تابه
 وسیله آن، دشمن خدا و دشمن
 خویش را بترسانید!؛ انفال، 60 و از
 «فمن اغتدی علیکم فاغتدوا
 علیه بمثل ما اغتدی علیکم» و
 [به طور کلی] هر کس به
 شما تجاوز کرد، همانند آن بر او
 تعدی کنید»؛ و ...

هکله کلک او پریکنده کامونه
 پورته کوي او د افغانستان
 اسلامي امارت د تگلارو په رڼا
 کې له کاونډيو هیوادونو
 سره به دښه کاونډیتوب، د
 نه لاسوهنې او متقابل
 درناوي په اصولو ولاړې اړیکې
 ولري.

تشکيلات او جوړښت

څرنګه چې اړینه ده د ملي
 دفاع وزارت تشکیل د ملي
 دفاع وزارت او ستردرستيز د
 قرارګاوو سربیره، د هیواد په
 (7) زونونو کې د مرکزي او
 ساحوي څو لارو ډولګانو، هوايي
 ځواک، حمایوي او تأمیناتي
 قوماندانیتونو په جوړښت
 تنظیم او تعبیه شوي دي.

د افغانستان اسلامي اردو د
 توازن له مخې ملي، د عقیدې
 له مخې اسلامي او تخصص
 له مخې مسلکي او متعهد
 ده، چې لیکې یې له ژمنو
 مسلکي او د اسلامي ارزښتونو د
 منلو په روحیه سمبال

په کرنې کې

څرنګه چې په نړۍ کې معمول
 دی اردو کښې د هیواد د دفاع، د
 ارضي تمامیت، د ملي نوامیسو،
 ملي حاکمیت، ازادۍ او د هیواد د
 معنوي ارزښتونو د ساتنې واقعي
 مسؤلیت او رسالت پر غاړه لري.

د افغانستان اسلامي امارت ملي
 دفاع وزارت خپله ملي او تاریخي
 دنده کښې چې د هیواد د
 جیوپولیتیکي او جیوستراتیژیکي
 وضعیت، د افغانستان اسلامي
 امارت د رهبرۍ لید لوري او
 ارتیاوو په پام کې نیولو سره د
 افغانستان اسلامي امارت د
 اسلامي اردو جوړښت او وده داسې
 تنظیم کړې چې په اوږده مهال
 کې د افغانستان دفاعي ایجاباتو
 او ارتیاوو ته ځواب ویونکی او د
 هیواد د دفاع د لوی رسالت په
 سرته رسولو قادر وي.

ملي دفاع وزارت اوس مهال او په را
 تلونکي کې د افغانستان ځمکنۍ
 بشپړتیا ته د ورپېښو او احتمالي
 ګواښونو پر وړاندې د مبارزې په

البتہ تیر و شمشیر و نیزه و
 کمان و قاطر و اسب از نظر اسلام
 اصالت ندارد؛ آنچه اصالت دارد
 نیرومند بودن است. آنچه
 اصالت دارد این است که
 مسلمانان در هر عصر و زمانی
 باید تا آخرین حد امکان از
 لحاظ قوای نظامی و دفاعی در
 برابر دشمن نیرومند باشند ...
 لزوم نیرومندی در مقابل دشمن
 قانون ثابتی است که از احتیاج
 ثابت و دائمی سرچشمه گرفته
 است باید ما امروز اقتدار
 نظامی خود را مطابق پیشرفت
 های عصر تکنالوژی عیار
 نموده، زمینه اختراع و انکشاف،
 دسترسی به هر نوع سلاح
 مدرن و تجهیزات نظامی را برای
 مجاهدین که پاسداران اصیل
 ارزش های اسلامی هستند مهیا
 نمایم. با آمد روزی که دارای یک
 اقتدار قوی اسلامی در سطح
 دنیا باشیم.



1- د هوایي ځواک په هکله:



د هوایي ځواکونو په ځانگړي ډول د تخنیکي او مسلکي څانگو فعالول، چې تر اوسه پورې (60) نه ډیرې الوتکې ترمیم او الوتنې ته چمتو شوي دي. چې تر اوسه پورې په بیلا بیلو موخو کې (اکمالاتي، بیړنۍ مرستې، د پرسونلو لیدول) (1380) الوتنې تر سره شوي چې په پایله کې (9536) کسان او (83222) کیلو وزن مختلفو سیمو ته انتقال شوي دي.

د ملي دفاع وزارت د مسوولینو د هڅو پر اساس تر اوس مهاله د (40) کسانو په شاوخوا کې د هوایي ځواکونو پیلوټان، انجینران او مسلکي کارکونکي د کور دننه او له هیواد نه بهر څخه بیرته خپلو دندو ته حاضر شوي دي.

2- د ځمکنیو ځواکونو په هکله:



افغانستان د (20) ولایتونو او (90) ولسوالیو له لارې له (6) هیوادونو سره سرحد او د ډیورنډ فرضي کرښې ته نښتې دي. چې سره د سرحدي لواکانو (50) کنډکونه په (37) کمپونو، (108) بیزونو او (450)

په 1443هـ-ق کال کې د ملي دفاع وزارت لاسته راوړنې:



د فتحې په پیل کې د اسلامي امارت مجاهدین په داسې حال کې دفاع وزارت ته ننوتل چې هر څه د گډوډۍ په حال کې وو، ډیرې سیسټمونه چې د بهرنیانو له خوا تمویل او کنترول کیدل، څه ناڅه او یا هم په بشپړ ډول ویجاړ شوي وو، د افغانستان د دښمنانو خپلې زیاتې هڅې په دې متمرکزې کړې وې چې د مجاهدینو او دفاعي ځواکونو روحیه ضعیفه او دوی ته ننګونې مخکې کړي په خپل کار پیل وکړ چې له نیکه مرغه تر اوس مهاله ورسپارل شوې دندې په ښه توګه سر ته رسولې دي.

تیر کال دفاعي ځواکونو دا ثابته کړه چې په خپلواکه توګه دا توان لري چې د افغانستان د ځمکنۍ بشپړتیا څخه دفاع او د اسلامي امارت د واکمنۍ څخه ساتنه او پراختیا په مستقلانه توګه تر سره کړي. د ملي دفاع وزارت کړنې د افغانستان اسلامي امارت د تگلارو پربنسټ، د امنیت ټینګول، د سرحداتو ساتل او د دفاعي وړتیاوو ځواکمنتیا، د اوسنیو او راتلونکو امنیتي ننګونو پر وړاندې متمرکزې دي، چې په لاندې ډول بیانېږي.

کسانو څخه جوړې دي، د افغانستان د مجاهد ولس پر وړاندې د مسؤولیت احساس د اهلیت په اصولو او د خپلې عقیدې او وجدان پر بنسټ ورسپارل شوې دندې تر سره کوي.

اصلي موخې او مسؤولیتونه:

دفاع او امنیت د هر هیواد لپاره حیاتي او اساسي ارزښت ګڼل کېږي، نو له همدې کبله اسلامي اردو د هیواد د دفاع بنسټ دی، د افغانستان ملي ځواک د ثبات تأمینونکی او د خلکو استازي ګڼل کېږي، د ټولني د ټولو برخو ترمنځ یووالی او د مجاهد ولس د عزم استازولي کوي.

د افغانستان اسلامي اردو د نورو امنیتي بنسټونو په مرسته د امنیت د ټینګښت ترڅنګ په ټولو برخو کې د پرمختګ د ښه شرایطو د رامنځته کولو په موخه د افغانستان اسلامي امارت څخه ملاتړ او له پلان شویو جرمونو سره مبارزه خپله دنده ګڼي.

ګڼنې: په هیواد کې د اسلامي امارت له بریا او واکمنۍ څخه وروسته د ملي دفاع وزارت کړنې په بیلابیلو برخو کې د کمیسیونونو جوړول، په ټولو څانګو کې د اداري او پرسونل برخې فعالول او د لوژسټیکي، تأمیناتي، تدارکاتي، حمایوي، بودجه او مالي، خدمتي، روغتیايي ودانیزې، استخباراتي، تکنالوژیکي، عقیدتي کلتوري، عامه چارې، ښوونې او روزنې او بهرنۍ چارو اړیکې په بخشونو کې لاسته راوړنې سره مل دي.



او ظرفیتونو د لوروپه خاطر د کمپیوټر او انګلیسي ژبې ډیرګرامونو په لاره اچولو بهیر ادامه لري.

7- د بهرنیو مرستو په هکله:

د هند، روسیه، چین، قطر، ایران هیوادونو او د نړۍ د صحي سازمان څخه د (355) قلمه درمل، (112) قلمه طبي توکي، (500) زړه دوزه دکرونا واکسين او (500) ټنه خوراكي توکي مرسته شوي، او په ترکیه او هند هیوادونو کې د افغان پوځي محصلينو د بېرته راتګ او نورو محصلينو ته د لازمي آسانتیاو برابرول.

8- د عملیاتو په هکله:



سوله ایزې فضا رامنځته کولو په موخه د کورنیو چارو محترم وزارت او د استخباراتو محترم لوی ریاست سره په ګډه په ټول هیواد کې په پوره همغږۍ، د عملیاتو پلانګذاري او سرته رسول، د پوځي ملي سوق او اداره مرکز له لارې په دوامداره توګه راپور اخیستل، د ترسره شوو عملیاتو په پایله کې (148) موټرونه، (93) موټر سايکلونه، (2859) میله سپکه وسله، (170) میله درنه وسله، (711) حلقه ماینونه، (2891) کیلو مخدره توکي، (192) کیلو چاودیدونکي توکي، (91) مخا برې، (173) دوربینونه، (6) پایي ټریا ټیلیفونونه د ځواکونو لاسته ورغلي.

کمارلو وړانديز او د (87) کسانو دمنظوري حکم اخیستل شوی چې دې سره سم دملي دفاع وزارت او ستردرستیز د.

معینیتونو او ریاستونو، د قول او دوکانو او سرحدي لواکانو د قومندانانو کمارل، د مجاهدینو د شتولو لپاره په هره قول اردو کې د ځانګړي تګلارې پراساس دکمیسینونو ټاکل، د مرکزي او ساحوي قول اردو کانونو په بیلابیلو څانګو کې د ظرفیت لورولو لپاره د سیمینارونو تدویرول.

6- د ښوونې او روزنې په هکله:



د صحي قوماندانۍ (160) داکتران د تخصص د اکمال د آزمویني لپاره عامې روغتیا محترم وزارت ته ورپېژندل، د مجاهدینو لپاره د پوځي او کمپیوټر د زده کړو کورسونو دایرول، د ملي دفاع وزارت اړوند تعلیمي او تحصیلي بنسټونه فعالیتدل، (1257) کسه محصلین ملي پوځي اکادمۍ ته، (84) کسه محصلین د ځوانو افسرانو اکادمۍ ته او (120) کسه زده کونکي حربي ښوونځي ته جذبول، ټاکل شوې ده چې د هیواد د ښوونځیو د لسم او یوولسم ټولګیو فارغانو څخه (400) ځوانانو ته په حربي ښوونځي کې د جذب زمينه برابره کړو. د ملي دفاع وزارت (د حقوقو ریاست) او د اسلامی ملي اردو د مجاهدینو دپوهاي

امنیتي پوستو کې د پېښو د مخنیوي او غبرګون په موخه په عصري وسایلو سمبال او ځای پر ځای شوي دي.

همدارنګه تر اوسه په بیلا بیلو سرحدي نقطو کې د (1300) کیلو مترو په اوږدوالي سره د (20) پوځي سرکونو د جوړولو چارې بشپړې شوي او کتې اخیستني ته سپارل شوي دي.

۳- د کرنلارو د جوړولو په هکله: په اسلامي اردو کې د مجاهدینو د شمولیت کرنلاره، د مجاهدینو د رتبو د تثبیت کرنلاره، د صفوفو څخه د کم عمره کسانو (لغزرنو) د ایستلو کرنلاره، د موټرانو او جنراتورونو د اړتیاو تیلو د تثبیت کرنلاره جوړول او پلي کول.

۴- د مالي او بودجې په هکله:



د آفیس (د افغانستان د مالي اطلاعاتو مدیریت) او بی پټ (د بودجې د ترتیب او لګښتونو د تعقیبولو) سیسټمونو بېرته فعالول او ترې ګټه اخیستل، د 1400 کال د مصارفو قطعیه راپور بشپړ کول او مالي محترم وزارت ته یې استول، د ملي دفاع وزارت د مجاهدینو او نورو کارمندانو د معاشاتو په شفاف ډول ویشل.

۵- د چارو د پیاوړتیا په هکله: دملي دفاع وزارت تشکیلاتو بیا کتنه او د مشرتابه عالي مقام څخه یې په عالي رتبه بستونو کې د (113) کسانو د



او د کتلوي معافیت محترم ریاست سره 62 قلمه درملو، 48 قلمه طبي توکو، 2 قلمه لابراتواري تستونو، د تیتانوس (18700) او دیفتري (234000) دوزه واکسینونو مرسته کول.

14- د بنسټیزو کړنو په هکله:
د ملي دفاع وزارت قرارگاه، په لغمان کې د 201 خالده بن ولید قول اردو، د مرکزي ترمیم خونې، د پلچرخي لمري لمبر بیژن، بریښنا د ښاري بریښنا شبکې سره نښلول او ترې کټه اخیستل، د 313 مرکزي قول اردو، د 203 منصورې قول اردو، د 207 الفاروق قول اردو او د بگرام فرقي بریښنا د ښاري شبکې سره د نښلولو تدارکاتي دوسیو جوړیدل او ټاکل شوې کمیټې ته یې سپارل.
دا وو د ملي دفاع وزارت د 1443هـ ق کال د مهمو کړنو او لاسته راوړنو گزارش چې ستاسو قدرمن حضور ته وړاندې شو.

و من الله توفیق
د یوسو کاله او پرمخ
تلی افغانستان په هیله

12- د عقیدتي او کلتوري په هکله:



د ملي دفاع وزارت اړوند قطعاتو او جزو تامونو کې د عمومي عفوي ته د احترام کولو او دستونځو نه جوړولو په اړه د عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله تعالی (8000) پاڼو توصیه وپروښورونو طرح، تدوین او خپرول، د (8) میلیونو افغانیو په ارزښت د کتابونو او (1) میلیون افغانیو په ارزښت د بیرغ پیرل او ټولو جزو تامونو او قطعاتو ته یې ویشل.

13- د صحي چارو په هکله:



د کرونا ویروس پر وړاندې د مبارزې د کمیټې بیا فعالیت، د پکتیکا ولایت زلزله ځپلو سره (26) قلمه د طبي ملزمو او وسایل مساعدت، د عامې روغتیا محترم وزارت د جمهوریت او انتاني روغتونونو، د وینې مرکزي بانک

ټولو مرکزي او ساحوي قطعاتو کې د تفتیش د ارزونې ټیمونه فعال او د نیوکو (شکایاتو) د اوریدو لپاره (196) وریا شمیره فعاله شوې ده.

10- د محاکمو په هکله:

په دیرو ولایتونو کې د (5367) تنو مجاهدینو دوسیې او (1142) د اختطاف دوسیو ارزونه شوې ده.

11- ملکي وگړو ته د مرستې په هکله:



په ولایتونو کې د وروستیو زلزلې او سیلاب ځپلو سره مرستې او همدا رنگه د هوا او ځمکې له لارې روغتونونو ته په وخت کې د زخمیانو انتقالول، د کرنې او مالدارۍ محترم وزارت (13409) ټنو غنمو د (951) نظامي لاریو کې اړوندو ولایتونو ته استول، د کابل - ننگرهار په لویه لاره کې د سروبي د تنگي سیمې بیا خلاصول، د نورستان ولایت د سیلاب ځپلې سیمو د ویجاړو او بندو لارو خلاصول او جوړول، د کردیز - سید کرم لارې سرک خلاصول، د کنړ ولایت غازي آباد او نارې سرک جوړول، د لوگر ولایت د آنتن د تپه سرک د چاودیدونکو توکو څخه پاکول.



اردوی قوی ضامن بقای امارت اسلامی

محمد داود (مهاجر)

دشمنان اسلام در طول تاریخ بر مرزهای عقیده‌ی و جغرافیایی کشورهای اسلامی یورش برده اند آن‌ها را به خود وابسته کرده و یا عملاً اشغال نموده‌اند؛ چنانچه نمونه‌هایش رومی شناسیم. حمله بر کشورهای اسلامی همواره با آوردن فشارهای سیاسی و اقتصادی جریان داشته است تا بتوانند باورها و خواسته‌های خود را بر حکومت‌های اسلامی به نوعی به قبولانند. علت اساسی این زورگویی‌ها مستقل نبودن کشور اسلامی و نداشتن اردویی قوی است. اردویی که بتواند از تمامیت ارضی کشور دفاع کند. اردویی که در برابر تهدیدات خارجی سر خم نکند و همانند حکومت‌های دست‌نشانده به هر امر پاداران خود «بله، قربان» نگوید. نسبت به آنچه گفته شد، بر ما واجب است تا توان دفاع از ارزش‌های اسلامی خود را به دست آوریم. از ظرفیت‌های موجود نهایت استفاده را ببریم و تلاش کنیم تا هر چه زودتر نظم و انضباط کامل را در تمامی مناطق کشور به‌ویژه در سرحدات طولانی خود با دیگر کشورها ایجاد کنیم لَهِ الْحَمْد ما اردویی داریم که تجربه عملی بیست‌سال جنگ در مقابل تکنالوژی عصر را دارد؛ چیزی که اردوی کشورهای دیگر فقط در عرصه تعلیم دیده‌اند نه عملی. اردوی

ما قوی‌تر از آن است که فکرش را داشته باشیم؛ زیرا مسلح با عقیده است. مسلح به نیروی «نصرت الهی» و عشق به «شهادت» است. نیرویی که اردوهای کنونی دنیا از آن نسبتاً خالی‌اند.

اللّٰهُ متعال دستور می‌هد که مسلمانان باید تا جایی که توان دارند (ما لست تطعتم) نیرو و قوت تهیه کنند تا اینکه چشم طمع بدخواهان را از سرزمین‌شان کوتاه نمایند (ترهبون به عدو اللّٰه و عدوکم). چه بسا دشمنانی هستند که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم؛ اما بغض و کینه دل‌های‌شان را پر کرده و منتظر فرصت هستند تا بتوانند به پیگیره کشور اسلامی ضربه بزنند اما زمانیکه ما از خود قوتی داشته باشیم، نیروهای جان‌برکفی را تربیت کنیم که دفاع از ارزش‌های دینی و ملی خود را بر هر چیزی اولویت بدهند، آنگاه است که چشم‌های بدخواهان، خودبه‌خود کور می‌شود و رشته امیدهای سیاه آنان قطع می‌گردد.

اردوی اسلامی تنها منبع قوت ما در برابر دشمنان است. هر اندازه اردوی ما قوی‌تر باشد به همان اندازه رشد و ترقی ما در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تداوم پیدا می‌کند و کشورهای

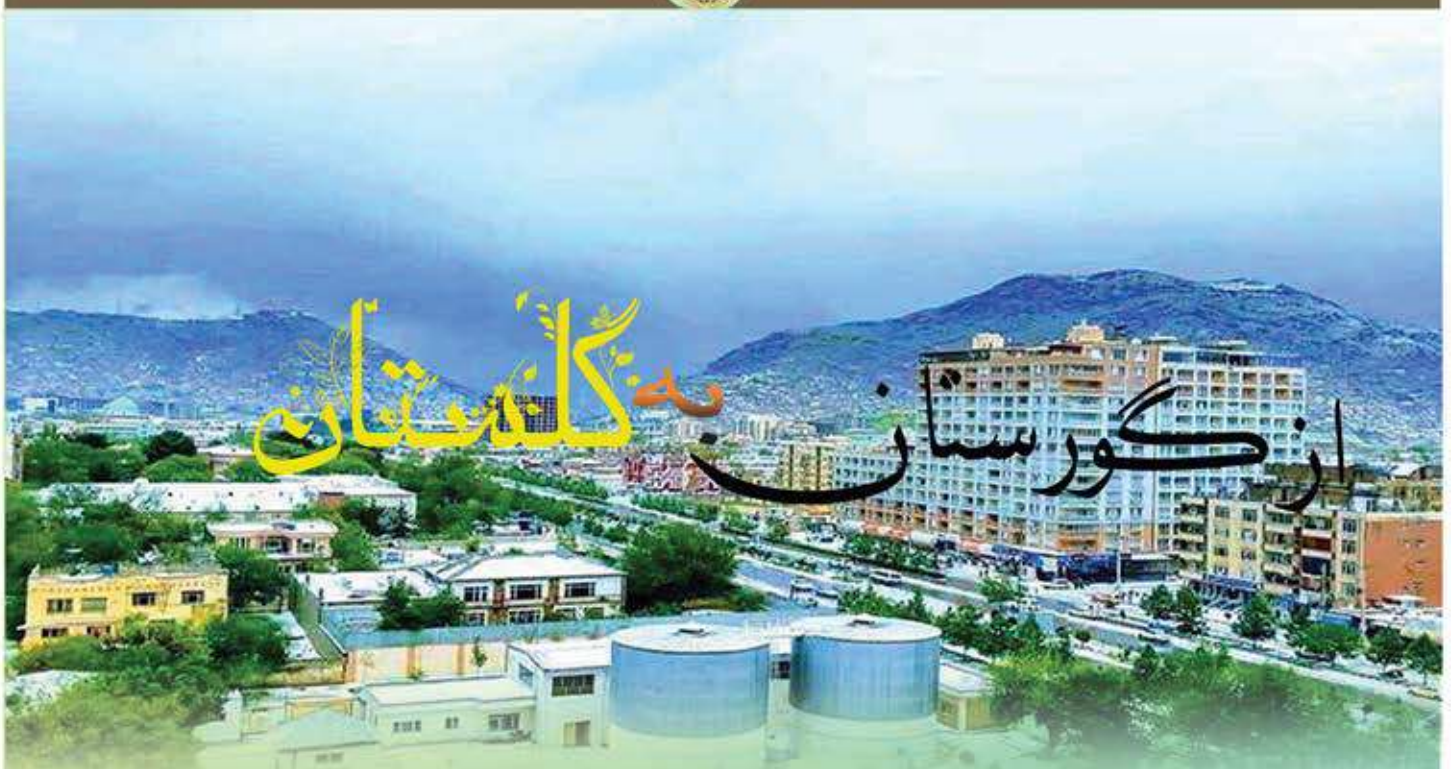
کشورهای همسایه نیز به همان اندازه به بقای ما اعتماد کرده و روابط خوب را لازم‌تر می‌بینند.

کشوری که اردویی قدرتمند نداشته باشد، نمی‌تواند بقای خود را تضمین کند. عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی‌اش را هرج و مرج پر می‌کند و ارزش‌های مادی و معنوی‌اش مورد تجاوز و تاراج دیگران قرار می‌گیرد.

اگر چنانچه مادر امارت قبلی از توان دفاعی کافی در بخش‌های هوایی و زمینی برخوردار می‌بودیم، هیچ‌گاه آمریکا به این آسانی به کشور ما حمله نمی‌کرد و گام‌های خود را حساب‌شده برمی‌داشت. اما از مشغولیت به جنگ‌های داخلی و نبود یک اردوی منظم و توان دفاعی هوایی ما سوء استفاده کرد و به آسانی - زمانی که خواست‌هایش را نپذیرفتیم - به ما حمله کرد و ما مجبور شدیم تا عقب نشینی کنیم. این بار لازم است تا هر چه بیشتر به توان دفاعی اردوی خود در بخش‌های مختلف زمینی و هوایی توجه خاص داشته باشیم و با سلاح عقیده، علم و تکنالوژی روز، آنان را مجهز کنیم.



از گورستان به گلستان



امان الله (مخدومي)

از چهل سال پیش آفتاب خوشی بر بلم مردم افغانستان طلوع ننموده و پرتو آرامش بر زندگی آنها نتابیده بود، نسیم خوشحالی به سویشان نوزیده بود. هر روز مردم این سرزمین شاهد جنگ، کشتار، ظلم، جنایت، خونریزی، غارت، ناامنی، آشفتنگی، گریه، ویرانی، فقر و مهاجرت بوده اند. در مساجد و مدارس عالمان به خون می افتادند و کودکان به شهادت می رسیدند. روزانه، فرزندان بی پدر و مادر و پدر و مادری بی فرزند می شدند. از کوچه کوچه اش آه و فغان یتیمان و بیوه زنان در فضای پیچید و تا آسمانها اوج می گرفت. این همه آشفتنگی سبب مهاجرت مردم افغانستان به دیگر کشورها بود. بدون شک آن کشورها برای تعمیر و آبادانی کشورشان بر این ملت سرمایه گذاریها

کردند تا از استعداد و توانایی اندیشمندان، فرهیختگان، داکتران، کارگران و... این مرزوبوم بهره مند گردند و در نهایت توانستند به وسیله مردم افغانستان کشورشان را آباد کنند. امنیت گستری در خاک این دیار و روزهای شیرین آرامی را به چشم سر دیدن، برای مردمان این سرزمین بیشتر از رؤیا نبود. اما هم اکنون وقت آن رسیده که رؤیای مردم رنگ و بوی حقیقت بگیرد. افغانستان از گورستان به گلستان بدل شود. جنگ جایش را به امنیت، ظلم به عدالت، آشفتنگی به آرامش، غم به به شادی، گریه به خنده، فرار به قرار، ویرانی به آبادی، فقر به ثروت و نفرت به الفت بدهد. به قول بزرگان ما، «آغوش امارت اسلامی برای همه گان باز است.» این جمله، دوست و دشمن را بر تحسین و ستایش و

داشت. این جمله شان بیان گر آن بود که طالبان در پی انتقام گیری نیستند؛ بلکه در پی صلح، امنیت، آرامش، پیشرفت، همدلی و همدیگرپذیری هستند و بی تردید، در مدت کوتاهی ثابت کردند و برای جهانیان به نمایش گذاشتند؛ پس شایسته آن است که مهاجران از اندیشمندان تا کارگران این فرصت طلایی را مغتنم بشمارند و به افغانستان عزیز برگردند و خودشان را در آغوش امارت اسلامی بگیرند تا طعم آرامش را بچشند و از زندگی خویش لذت ببرند، در تشکیل حکومتی با اقتدار و اسلامی سهیم شوند و برای تعمیر و آبادانی افغانستان تلاش و استعداد، توانایی، هنر و کمالشان استفاده کنند تا اینکه ما شاهد افغانستانی بی نظیر در جهان باشیم.



په افغانستان کې دملي دفاع وزارت اوسنی بهیر



مفتي محمد (بشار)

د هر هیواد د نظام په تشکیل د دفاع وزارت د ملا د تیر حیثیت لري، څومره چې دفاع وزارت د مسلک، پوهې او چمتووالي له مخې پیاوړی وي هومره د نظام نور ارزګانونه او اولس ډاډمن او د پرمختګ په لور هوساګامونه اخلي. د افغانستان په تاریخ کې افغانانو ته دا ځل ډېر ښه فرصت په لاس ورغلی چې د هیواد لپاره خپلواک دفاعي ځواک په داسې روحیه وروزي چې هغوی په اسلامي، سالمه فکري او د استقلالیت په فکر روزل کیږي. د هیواد دفاع یواځې په هغو نورو او چغو نه کیږي چې موږ یې د نورو ډېرو هیوادونو له رسنیو څخه اورو، دا شونې هم نه ده چې یواځې د رسنیزو پیغو په مټ ځواک د خپل نظام او هیواد دفاع وکړي، بلکې له هر څه دمخه باید د اولس ځوان او ځیرک کهول په دیني او

معنوي ارزښتونو قناعت ولري، د دې ترڅنګ د هیواد ملي مصلحتونه وپېژني او داسې پرې باوري شي چې د تل لپاره د هغوی په مقابل کې له خپلو شخصي منافعو څخه تېر شي. د افغانستان اسلامي امارت د دفاع وزارت ځواکونه د پخواني تاریخ په نسبت څو ځانګړنې لري چې له امله یې موږ ډېر باور پرې کولی شو:

1- د افغانستان دفاعي ځواک د نړۍ د ستر ابرقدرت د ماتې مورال لري: له وارسانه وروسته ناټو په نړۍ کې تر ټولو ستر نظامي او دفاعي ځواک و چې د امریکا په رهبري کې یې د نړۍ ټول قوانین تر پېښو لاندې کړل او په افغانستان یې یرغل وکړ، هغه مهال چا فکر نه شو کولی چې طالبان به په دې بې وسې کې له دې ستر ځواک سره مبارزه وکړي، خو دوی نه پوهېدل چې جګړه په

ډېره حوصله او لوړ مورال شل کاله اوږده مبارزه وکړه او هیواد یې له اشغال څخه ازاد کړ، اوس افغانستان د داسې دفاعي ځواک څښتن دی چې د دې ستر ابرقدرت د ماتولو مورال او ویاړ لري.

2- د افغانستان دفاعي ځواک د هیواد د ځمکنۍ بشپړتیا ساتونکی دی: د افغانستان اوسنی دفاعي ځواک له خپلې ځمکنۍ بشپړتیا څخه ساتنه خپله دیني او ملي وجیبه ګڼي، هیڅکله د خپلې خاورې پر سر له چا سره معامله نه کوي او تل به د خپل ارضي تمامیت څخه ساتنه کوي.

3- د افغانستان دفاعي ځواک د هیواد د ملي مصالحو ساتونکی: دا چې د افغانستان دفاعي ځواک په خپله د افغانانو په افغاني او دیني روحیه روزل شوی او د



6- دفاعي ځواک مو سالمه او خپلواکه رهبري لري:



زموږ د دفاعي ځواک یوه بله ستره ځانګړنه دا ده چې د محترم دفاع وزیر مولوي محمد یعقوب په ګډون ټوله رهبري یې په خپله افغانستان کې خپلو افغانانو ټاکلې ده، دوی نه له بل هیواد څخه پر موږ تپل شوي او نه هم د نورو لاسپوڅي دي، بلکې ټول اولس مو باور پرې لري چې همدوی د هیواد اصلي څښتنان دي او دوی کولی شي چې د هیواد او ملي مصالحو ساتنه وکړي، کله چې دفاعي ځواک د سالمې او خپلواکې رهبري لاندې وي نو هیواد مو په خپلو ارزښتونو ولاړ پاتې کېږي او ډېر ژر به پرمختګ وکړي.

د افغانستان درانه اولس ته ښایي چې د جهاد د شل کلنې دورې په څېر اوس هم د خپل دفاعي ځواک تر څنګ ودریږي، ملاتړ یې وکړي او ډاډ ورکړي ترڅو دفاعي ځواک یې د دین، عقیدې، ځمکنۍ بشپړتیا، خپلواکۍ، ځان، مال، عزت او اسلامي نظام څخه ساتنه وکړي.

د خپلواک او سوکاله افغانستان په هیله

چې دفاعي ځواک یې په ملي روحيه او خپلواکۍ نه دی روزل شوی.

دا خبره ثابتې ده چې د هیواد د استقلال لپاره د دفاعي ځواک استقلال ډېر اړین دی.

5- د افغانستان دفاعي ځواک د اسلامي نظام ساتونکی دی:



د افغانستان دفاعي ځواک په افغانستان کې د اسلامي نظام رامنځ ته کولو لپاره تر شل کاله اوږده مبارزه کړې او د نړۍ په معاصرو نظامونو کې یې د دیني اصولو د تطبیق نوې تګلاره هم روښانه کړې ده، نو دا په نړۍ کې یواځینې دفاعي ځواک دی چې د اسلامي نظام د استحکام لپاره یې تر ټولو سترابرقدرت سره تر ټولو سخته جګړه کړې او بالاخره پکې توانېدلی چې نړۍ ته د اسلامي نظام څرک وښيي.



د هیواد د ازادۍ لپاره له یو ستر تاریخي جهاد څخه بریالی راوتلی دی نو هیڅکله له خپلو ملي مصالحو څخه نه شي تېرېدلی او تل به یې ساتنه کوي

4- د افغانستان دفاعي ځواک خپلواک دی:



د افغانستان دفاعي ځواک په ټوله نړۍ کې خپلواک ځواک دی، له دې امله چې د پردیو له خوا یې روزنه نه ده شوې او نه هم د نورو هیوادونو په مالي ملاتړ روزل کېږي، بلکې روزنه او مالي لګښت یې د هیواد له شتمنیو څخه کیږي چې له همدې امله د نورو لاسپوڅي نه دی بلکې خپلواک دفاعي ځواک دی.

د نړۍ د کومو هیوادونو دفاعي ځواک چې د پردیو په مالي ملاتړ روزل کېږي هغوی خپل استقلال نه شي ساتلی، په ډېرو هیوادونو کې مو تجربه کړل چې ټاکنې پکې وشوې او د اولس په رایه منتخب اولسمشر اعلان شو، خو دا چې د نورو هیوادونو د مصالحو لپاره په خپل هیواد کې کار نه کاوه نو هلته د داسې منتخبو اولسمشرانو په ضد پوځي کودتا وشوه او خپل استقلال یې ونه شو ساتلی، دا ځکه



د پړوې مخکښې اسلامي اردو روزل

محمد آغا (حیدري)

هر هېواد يو داسې پوځ ته ضرورت لري چې په عصري ټکنالوژي سمبال وي ترڅو له خپل دين او هېواد څخه په بشپړ ډول دفاع وکړي.

زموږ د گران هېواد اسلامي اردو دنده د بشپړې خپلواکۍ تر چتر لاندې ځمکنۍ بشپړتيا، ملي حاکميت، ملي گټو او ملي ارزښتونو ساتل دي. د اسلامي اردو د جوړونې له پاره بايد بشوونيز مرکزونه جوړ شي، ترڅو د ملي اردو منسوبيت په عقيدتي او مسلکي ډول وروزل شي، موږ د پوځي سلاکارانو او بشوونکو په وسيله کولای شو چې د اسلامي اردو په جوړونه کې د کميت او کيفيت له پلوه يوه مسلکي

اسلامي اردو جوړه کړو دا ډول اسلامي اردو د روزنې دنده د مسلکي استادانو او د هغه هېواد د روڼيزو سازمانونو په غاړه ده. د اسلامي اردو دروزنې لپاره په قبول اردوگانو نظامي مرکز و نو کې او همدارنگه په حربي بشوونځي او حربي پوهنتون کې د تجربه لرونکو استادانو علماء کرامو لخوا د مسلکي، بدني روزنې ترڅنگ بايد فکري او عقيدتي روزنې هم ورکړل شي او همدارنگه له ديني او عصري علومو څخه هم بايد پوره خبرداري ولري ترڅو د سرې جگړې په وړاندې هم سنگر گرم او برم ترلاسه کړي چې الحمدلله زموږ اسلامي اردو زور او باشهامته ځواکونه اکثره له داسې روزنو څخه برخه من دي. په ننني عصر کې سره جگړه ډيره پرمخ

وړاندې روانه ده او اکثره استعمارگر هيوادونه اوس د تودې جگړې پرځای له سرې جگړې څخه کار اخلي او نور هېوادونه تر خپل استعمار لاندې راولي. د اسلامي اردو منسوبيت ته د هيواد د سرحداتو په اړه بايد تاريخي معلومات ورکړل شي ترڅو وکولای شي د هېواد په دفاع کې د خپلو سرحداتو څخه په زورتيا او شجاعت سره په کلکه دفاع وکړي.

اسلامي اردو د لاځواکمنتيا لپار بايد د نويو تجربو او عصري ټکنالوژي سره د مسلکي استازانو له لوري مسلکي زده کړې ورکړل شي. زموږ اسلامي اردو بايد په درنو او سپکو اصلحو او هر نوع نظامي وسايطو او همدارنگه هوايي ځواک



ديو هېواد د اسلامي اردو د لا پياوړتيا لپاره بايد ځانگړې اقتصادي بوديجه په نظر کې ونيول شي ترڅو د دوی په وړاندې کومې اقتصادي ستونزې موجودې وي له منځه ولاړ شي.



د يوې مخکښې او منظمې اردو ځواکونه بايد په ځان باندې پوره باور ولري او د هر ډول ځنډ په وړاندې ماته ونه مني پرځان باور درلودل د ځواکمنتيا لومړی اصل دی او همدا راز په دې باندې باور ولري، چې خدای ﷻ به موږ خپلو موخو ته رسوي، او د خپلې بريا او هر ډول دفاع لپاره سختيو ته اوږه ورکړي.

رتبې پورې کارکوونکي د اتو اونيو زدکړې ترسره کوي او هغه کارمندان چې د جگړې او ډگرمنۍ رتبې لري د کندک او قرارگاڼو، قمنندانو، آمرينو په کچه دندې ترسره کوي.

3- نظامي اکاډمي زده کړې:



په دغو اکاډميو کې لومړی او دوهم بریدمن رتبه کارکوونکي بيا د ليسانس ترکچې په مسلکي ډول روزل کېږي. او همدا راز د ارتقا او ظرفيت لوړونې لپاره د تيب رتبه منسو بېنو (بریدملانو او سرتيرو) لپاره بايد په قطعاتو او جزو تامينو کې هره ورځ د مهال ويش مطابق محاربي، عقيدتي، فرهنگي او د چټکو زده کړو ښوونه او روزنه برابره کړل شي.

د اسلامي اردو د روزنې لپاره هر ډول نظامي امکانات برابر کړل شي ترڅو د دښمن په وړاندې د هېڅ شي کمې احساس نه کړيد زده کړو تر څنګ په عملي ډول د نمايشات ورکړل شي ترڅو تجربې ترلاسه کړي.

جنگي الوتکو باندې سمباله وي ترڅو دخپل قلمرو څخه په هر اړخيز ډول دفاع ته چمتو وي. د اسلامي اردو منسوبين په اخلاقي ډول او له ولس سره په ښه چلند په کولو کې له هر څه برخود داره وي ترڅو د ولس په زړونو کې ځانگړی ځای ولري. د اسلامي اردو د ارتقا او ظرفيت لوړولو لپاره لاندې څو ډوله کورسونه بايد ايجاد شي.

1- اپراتيفي زده کړې:



په اپراتيفي زدکړو کې د اسلامي اردو منسوبين د جگړې او ډگرمنۍ رتبو په کچه د کندک قومندانان چې په لواگانو او قرارگاڼو کې دندې ترسره کوي دغه کارمندان د پنځو مياشتو په دوران کې روزل کېږي.

2- د ځوان افسرانو زده کړې:

د ارتقا او ظرفيت لوړولو لپاره ځوان کادري افسران، بلوک قمنندانان د ټولي مرستيالان او همدارنگه د دوهم بریدمن رتبې پورې کسان روزل کېږي چې په دغو زدکړو کې د لومړي بریدمنۍ څخه تر تورنۍ



فاتح شرق

فهم این سخن در ذهنتان نخواهد آمد مگر زمانی که نقشه جهان اسلام را در جلوی خویشتن قرار دهید. آیا این سرزمین‌هایی را که امتدادشان از کناره اقیانوس آتلانتیک گرفته و حتی نزدیک است که به ساحل اقیانوس آرام وصل شوند از فارس تا چین، می بینید؟ ما این شهرها را به بازیچه و سرگرمی فتح نکردیم، بلکه به خاطر آنها جوی‌ها ریختیم. بله، جوی‌هایی از خون‌هایمان. در این راه، کوه‌ها را فدا کردیم. آری، کوهایی از اجسادمان. در آن نبوغ‌هایمان را کارگرفته و قهرمانی‌هایمان را صرف کردیم که تاریخ مگر اندکی از آنها را می‌شناسد و بقیه را در ضمیر غیب و به خاطر دریافت ثواب از خدا مانده‌اند. هر منطقه‌یی داستان دل‌انگیزی دارد که آن را می‌خوانی و می‌گویی این بهترین قصه‌های فتوحات است. اما هنگامی که دومی را بخوانی، آن را بزرگتر و با عظمت‌تر خواهی دید. هر معركة دیگری را بشنوی، خواهی گفت این‌ها بزرگترین فرماندهان تاریخ‌اند. اما وقتی که اخبار فرماندهان معركة دیگر را بشنوی، خواهی گفت این‌ها بزرگتر و نیرومندتر بودند و ناگهان خود را در مقابل

سریالی طلایی خواهی دید که نمی‌دانی کدام قسمتش با ارزش‌تر از قسمت دیگر است و کدام مرحله از مراحل فتوحات طولانی‌تر و شگفت‌انگیزتر است؛ فتوحات شام یا عراق یا مغرب یا مشرق یا روم و آناتولی یا اندلس و جزائر البحر؟

پرچم اسلامی روزهای زیادی را پشت سر گذاشته تا به هر دو افق رسیده است و صدها فرمانده آن را بعد از اینکه نزدیک به افتادن بود، بلند نموده و سرفرازش داشته و افرادی بوده‌اند که گوشه و کناره‌های زمین را پیموده و پیروزی‌ها را به دست آورده‌اند.

سخن از فرماندهی از این فرماندهان بزرگ است؛ یکی از سرداران و نابغه‌های تاریخ جنگ‌های جهان، نابغه فوق العاده‌یی هم‌طراز هانیبال و اسکندر، خالد و سعد، عقبه و مهلب و طارق، محمد بن قاسم و صلاح‌الدین و ناپلئون.

رادمردی که سرزمینی را که گسترده‌اش وسیع‌تر از فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس بود، به بلاد اسلامی افزود. سرزمینی که ساکنانش قوی‌ترین مردان جهان، آزموده‌ترین‌ها، ماهرترین‌ها و توانا ترین‌ها ایشان در جنگ بودند. مردی که نسبش

او را بالا نبرد بلکه ظاهراً از پایین‌ترین قبیله‌های عرب بود که جایگاهی نداشت. قبیله‌یی که مردمانش از انتساب به آن شرم داشتند. قبیله‌یی که در فرومایگی ضرب‌المثل بود و عرب خود را برتر از آن می‌پنداشت که از آن یادی کند. او از باهاله بود. جوانی که او را حجاج بدون نگاه به میان‌سالان با تجربه و فرماندهان مشهور برگزید تا فرماندهی ارتش شرق را به او بسپارد و او را جانشین مهلب فرمانده بزرگی بکند که من هیچ یک از فرماندهان ما را نمی‌شناسم که در مهارت و نبوغش شبیه‌تر از او به خالد باشد. کسی که مردم از انتخابش تعجب نمودند و خوش‌شان نیامد و اگر ترس از حجاج نمی‌بود او را عیب گرفته و انکارش می‌کردند. اما دیری نگذشت که ثابت کرد او از نیرومندترین فرماندهان است و حجاج تیزبین بود و فراستی درست داشت و نسبت به مردان آگاهی کامل داشت. مردی که از مرزهای ایران تا انتهای ترکستان را گشود و وارد چین شد و اگر پیشامدهای سختی که این جوان را تحت فشار قرار داد،



نمی‌بود، هند و چین را نیز فتح کرده بود. آیا هنوز او را نشناخته‌اید؟ او قتیبه است؛ قتیبه بن مسلم باهلی. مرو مرکز لشکر شرق بود و فتنه هاشمیان بزرگی را که مهلب و پسرش یزید فرماندهی‌اش می‌کردند، درنوردیده بود. هنگامی که مهلب آن را تحویل گرفت، به جز 350 زره چیز دیگری نیافت. پس به آخرین پناهگاهی که هر ارتشی بدان پناه می‌جوید، پناهگاهی که هر که پناهنده‌اش شود، کسی به او نمی‌رسد؛ سنگری که هر که به آن پناه جوید، گرفتار نمی‌شود؛ به ایمان پناه برد. بلند شد و در میان افراد باقیمانده لشکر یزید بن مهلب به ایراد سخن پرداخت و آنان را به یاد خدا انداخت و به ثواب ترغیب‌شان داد و به جهادشان برانگیخت. جهاد به خاطر اعلاي کلمة الله، نه به خاطر مال و قهرمانی و تعریف و تمجید. جهادی که ثمره‌اش به جز یکی از دو خوبی نیست: یا پیروزی یا بهشت. آنان را تکان داد. سنگینی کینه‌ها، شهوات و هواهای نفسانی آنان را دور کرد. هنگامی که سبک شدند با بال‌های ایمان و شجاعت به سوی افق‌هایی به پرواز درآمدند که گمانش را هم نمی‌کنی که به کجا رسیدند! هنگامی که این کلمات ایمان‌ها را تحریک نمود، لشکر از نظر آمار و ساز و برگ رو به افزایش نهاد و لشکری تازه نفس گردید و نیرومند؛ اگر تیراندازی به سوی‌شان تیری می‌انداخت، بر زمین نمی‌افتاد و اگر

دریا می‌خواست آنان را فراگیرد، خود، دریا را فرا می‌گرفتند و اگر می‌خواستند، کوه‌ها را از جا تکان می‌داند... و اینگونه لشکرها تازه نفس می‌شوند و آماده برای پیروزی. لشکر مؤمن، با نام خدا پیش رفت تا ایمان را در سرزمینی منتشر نماید که پیش از این، خبری از آن نبود و بر ملتی نور افشانی کند که نور را ندیده بود. داشت قسمت‌های قدیمی سریال فتوحات طلایی با قسمت‌های جدیدش وصل می‌شد تا رسالت را تکمیل کرده به تحقق معجزه بپردازد و پرچم اسلام وارد مرحله جدیدی در راه از پیش تعیین شده‌اش گردد تا رحمت خداوندی را بر جهانیان به اتمام رسانده و تمام زمین را فرا گیرد. دیری نگذشت که دشمن بازگشت لشکر را احساس کرد و فهمید که حجاج آنان را با چه تیری نشانه گرفته است. پس به طاعت روی آورده. از همدیگر سبقت می‌گرفتند، تاج‌ها داشتند به زیر پاهایشان می‌فتادند. پادشاهان طالقان و صغانیان از شاهان ترکان نزدش آمدن و کلیدهای طلایی را بر بالش‌هایی از ابریشم که نماد تسلیم بدون قید و شرط بود، تقدیمش داشتند. نیزک طخان، پادشاه بزرگ و تیزهوش بادغیس، نیز از آن دو تبعیت کرد و سر تسلیم فرود آورد. لشکریان پیش رفتند، اما جنگی که قابل ذکر باشد، رخ نداد تا اینکه جهت نبرد در بیکند بر دروازه بخارا ایستادند. تمام ترک‌ها علیه قتیبه هم پیمان شده بودند و او را محاصره کردند. دو

ماه کامل اخبار لشکر به حجاج نرسید تا اینکه ناامید شد و به جز پناه بردن به الله برایش چاره‌ی نماند... و مردم این چنین اند؛ هرگاه ببینند راه‌های زمین به رویشان بسته است، سرها را به سوی آسمان بلند می‌کنند و درهای آسمان را همیشه باز می‌یابند و لو اینکه تمام درهای زمین بسته باشد. حجاج هم خطیبان را دستور داد تا بر سر منبرها برای مجاهدین دعا کنند. قتیبه جاسوس‌هایی در لشکر دشمن داشت. دشمن توانست بزرگترین شان را فریب دهد تا علیه قتیبه با آنان همکاری کند. او را خریدند تا قتیبه را فریب دهد. او پیش قتیبه آمد و گفت می‌خواهم با تو تنها باشم. یکی از فرماندهان آنجا بود، قتیبه با او تنها شد. جاسوس گفت: دشمن زیاد است و حجاج تو را عزل خواهد کرد و به جاییت دیگری را خواهد گماشت. رأی من این است که خود از لشکر جدا شوی. قتیبه گفت: نسبت به زیادی دشمن، (کم مَن فئاة قليلة غلبت فئاة كثيرة بإذن الله والله مع الضبرین) «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است و اما نسبت به عرکم، من به خاطر خدا می‌جنگم نه برای حجاج، اما تو خیانت کردی و از او اقرار گرفت و اقرار کرد. گردنش را زد و به فرمانده گفت: هیچ‌کس جز من و تو از این



قضیه با خبر نشود و اگر لب بگشایی، تو را هم به سوی این خائن خواهم فرستاد. جنگ در گرفت و کارزار سخت شد. مسلمانان صادقانه حمله کردند تا اینکه شهر را به لرزه درآوردند. لشکر دشمن پریشان شد و تقاضای صلح نمود و پیمان نامه‌یی به امضا رسید. از برگشتشان دیری نگذشته بود که آنان نقض عهد کردند. فوراً به سویشان بازگشت و آنان را چنان دچار صدمه کرد که دل هایشان را تکان داد و شکست سختی خوردند و بیکنند فتح شد و اسلحه، مهمات جنگی، اموال و گنج‌های فروانی که شمارشان را فقط خدا می‌داند، نصیب شان گشت و تقسیم‌شان به ابن‌الان عدوی که قتیبه او را امین ابن‌الامین می‌نامید سپرده شد. اینک این سخن را از اخلاق آن لشکریان بشنوید تا بدانید که آنان با همیمن اخلاق بر ملت‌های پیروز گشتند و زمین را فتح کردند؛ یکی از فرماندهان از ابن‌الان خواست که بهره‌ او را از غنایم پیش خود نگه دارد، ابن‌الان گفت: مال را به فلان جا بفرست، مردی را خواهی دید، آن را به او بده، من ضمانتش می‌کنم. ابن‌الان منتظرش ماند، قاصد دیر کرد، ابن‌الان گمان کرد که برگشته و مال را امانت گذاشته است. سربازی از تغلب آمد. هنگامی که قاصد بدانجا رسید، او را دید، مال را همانجا گذاشت و برگشت. هنگامی که آن سرباز کسی را در آنجا ندید، مال را برداشته و به منزل برد. باری آن فرمانده نیاز به مال پیدا کرد و آن را از ابن‌الان

خواست. ابن‌الان گفت: من از او چیزی نگرفتم. او گفت: چرا، گرفته‌ی! با هم بگویم و کردند و خبر پخش شد تا اینکه به همان سرباز رسید. آمد و از فرمانده پرسید: مالش چه بود و علامتش چیست؟ فرمانده جوابش را داد. سرباز گفت: پیش من است و آنها را آورد و تحویل داد و دلش نیامده بود که چیزی از آن‌ها بردارد؛ در حالی که سرباز، فقیر هم بود و مال پنج هزار درهم بود؛ لشکر به بخارا رخ نمود؛ به شهری که قبلاً هم کار را برای مجاهدان سخت کرده و نتوانسته بودند، آن را فتح کنند. به حجاج نامه نوشت. حجاج گفت: نقشه شهر را برایم بکشید. نقشه را کشید و فرستاد. حجاج گفت: از فلان جهت وارد شوید و نقشه را برایشان کشید؛ در حالی که او در عراق بود! ترک‌ها از هر گوشه و کناری جمع شده و بر لشکر مسلمین حمله نمودند و دو جناح لشکر را از میان برداشتند و به قلب آن نیز صدمه وارد کردند و به صف زنان هم رسیدند اما قتیبه ثابت قدم بود و می‌پرسید: محمد بن واسع کجاست؟ واسع مرد نیکوکاری بود که او را در جنگ هایش همراهی می‌کرد. گفتند: اینجا است، دارد خدا را می‌خواند و با انگشتش به آسمان اشاره می‌کند. گفت: این انگشت‌ها برای من از صد هزار شمشیر از نیام کشده بهترند. پیروزی نزدیک است. چه کسی بر مرگ بیعت می‌کند؟ چه کسی خود را به خدا می‌فروشد؟ بسیاری پیش آمدند.

از میان آنان 800 مؤمن فدا کار را برگزیدند. هر یک از آنان بالشکری برابر بود؛ چرا که هر که مرگ را بخواهد، نمی‌میرد و هر که از الله کمک بجوید از هیچ بشری شکست نخواهد خورد و هر که از عمق وجود ندای الله اکبر سر دهد، هیچ زورمندی بر او قدرت نخواهد یافت و هیچ بزرگی از او بزرگ تر نخواهد شد.

آنان چنین حمله کردند و پیروز گشتند نیزک و پادشاهان دیگری که تسلیم شده بودند، غدر کرده و برانگیختند و لشکریانی را جمع کردند، اما قتیبه آنان را چنان شکست سختی داد که سرهایشان را به زیر افکند و شهرها را دوباره زیر پرچم محمد درآورد و پیش رفت. پیشروی کرد و به جایی رسید که هیچ فرماندهی بدانجا نرسیده و هیچ فاتحی به آن خطه پاننهاده بود. چنان پیش رفت که در یک سال دو قطر بزرگ؛ یعنی خُجُذ خوارزم و سمرقند را بعد از درگیری‌های بسیار شدیدی فتح نمود. سپس به جاو رفت تا اینکه وارد کاشغر شد؛ ابتدای مرز چین می‌خواهم خاتمه غم انگیزی را که به جهاد این مجاهد پایان داد و مرگی ناگهانی را که برای این قهرمان رقم خورد توصیف کنم. کسی که می‌خواهد آن را در تاریخ طبری، بلاذری و... مطالعه کند.

البته این بحث را با عجیب ترین قصه‌یی که در تاریخ جنگ‌های جهان رخ داده است



اعداد د اسلام که نظره

مفتي عبدالحق (حقاني)

خوندي وي. په افغان ملت د الله جل جلاله سترې پېرزوينې كړې دي چې له دغو پېرزوينو څخه يوه يې دا ده چې د دوى پرمت الله جل جلاله دنړۍ دريمه ستره امپراطوري ماته كړه، په دې برياكې دوه عنصرونه مادي او معنوي رول لري، كه څه هم په مادي عنصر چې اسباب دي په دې كې مقابل طرف ډېر غښتلى او پرمختللى وه خو ورسره معنوي عنصر نه وه. اوس چې لله الحمد اسلامي امارت حاكم دى، دېته زمينه مساعده شوې ده چې د جهاد په دواړو برخو اساسي كارونه او هلې ځلې ورتنه ترسره شي، مادي اسباب ترلاسه او ځواكونه پرې سمبال شي، ځكه چې دا دنيا دار الاسباب دى او له معنوي عنصر سره چې څومره پرمختللي مادي اسباب وي، هماغومره به دوشمن په رعب او وېره كې وي او د جهاد اهداف او موخې به په لنډ وخت، كمې قربانۍ ترلاسه كيږي. همداراز په اوسنۍ نړۍ كې د جگړې ډكرونه هم زيات شوي دي لكه فكري، اعلامي، بري، بحري، فضائي، صحي ډكرونه. همدغو دواړو اړخوته په كتنو علماء د دې آيت په تشرېح كې ليكي چې جهاد ته چمتووالى گڼ شمېر اړخونه لري چې لاندې په مجمله توگه همدغو برخو

الحمد لله وكفى، والصلاة والسلام على محمد المصطفى، وعلى آله النجباء، وأصحابه الأتقياء، ومن بهديهم اهتدى، وبآثارهم اقتفى، من المفسرين والمحدثين والفقهاء إلى يوم الجزاء، أما بعد: فقد قال الله تعالى: { وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا لَهُمْ مَا وَعَدْتُمْ وَأَخْرِبُونَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ يُوعَدُونَ } [الأنفال: 60]. ژباړه: او ترخپلې وسې دهغوى (د مقابلي) لپاره ښه ځواک او روزل شوي اسونه چمتو کړئ چې په هغه سره هم د الله او هم خپل غليم ووېروئ او (ان) هغه نور (غليمان) چې تاسو يې نه پېژنئ، يوازې الله يې پېژني او څه چې د الله په لار كې لگوئ، اجر به يې پوره پوره دركړل شي او پر تاسو به ظلم نه كيږي. وقال النبي صلى الله عليه وسلم: «كُل مَيْت يَخْتَم عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الَّذِي مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يَبْنُو عَمَلَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَيَأْمَنُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ» () . ژباړه: د هر مري پر اعمالو (د پاي ته رسېدو) مهر لگول كيږي خو هغه تن چې د الله په لاره كې (د اسلامي دولت) د پولو ساتلو په لړ كې مړ شوى وي؛ د نوموړي عمل (له مړينې وروسته) تر قيامته وده كوي او د قبر له فتنې څخه هم

په اتمام می رسانم. قصه یی که همانندش برای هیچ ملتی اتفاق نیفتاده است و به گمانم برای هیچ ملت دیگری هم اتفاق نخواهد افتاد. از قتیبه - چنانکه مردم میگویند - در فتح شهر بزرگ سمرقند نوعی غدر فریب پیش آمد. هنگامیکه خلافت به خلیفه صالح، عمر بن عبدالعزیز رسید، اهالی سمرقند علیه لشکر اسلام شکایت کردند که شهرشان با غدر فتح شده است. عمر دستور داد تا دادگاه خاصی بیا یک قاضی جهت بررسی این شکایت تشکیل شود. قاضی کنار ستون مسجد نشست. مدعیان و مدعی علیه، فرمانده کل ارتش اسلامی، را فراخواند و به سخنانش گوش فراداد سپس حکمی را صادر نمود که دادگاه اسلامی می تواند به آن نسبت به دیگر دادگاه های دنیا افتخار کنند. حکم به بطلان فتح داد؛ چرا که شهر، با فریب فتح شده بود و فرمانده از قوانین جنگی اسلام تخلف ورزیده بود. قاضی به خروج لشکر اسلام از آنجا دستور داد و نیز به اهل سمرقند گفت که خود را برای نبرد دیگری آماده کند و جنگ از سر نو درگیرد! این حکم عجیب جاری شد و ارتش کم کم داشت شهر را ترک می کرد که مردم؛ یعنی مدعیانی که از این عدالت اسلامی غافل گیر شده و طعم حکمرانی اسلامی را در این سال ها چشیده بودند با دلخوشی کامل رضایت دادند که زیر پرچم اسلام باقی بمانند. با این ایمان و با این اخلاق، نه با شمشیرها و نیزه ها، دنیا را فتح کردیم و نور اسلام را گسترانیم. به مثل همین ایمان و همین اخلاق، فلسطین را باز می گردانیم و کشورهای اسلامی را از بند استعمار می رهانیم و کتاب افتخارات ما را بار دیگر در تاریخ خواهیم نگاشت - ان شاء الله!



ته کتنه کیږي:

1. اعتقادي چمتووالی
2. روجي او نفسي چمتووالی
3. سیاسي چمتووالی
4. نظامي چمتووالی

اعتقادي چمتووالی:

په دې برخه کې د ځواک په عقیدې کار کیږي، د الله جل جلاله مینه، د اسلام او د اسلامي شعاعرو څخه د دفاع روحیه په کې پیاوړې کیږي او دنیوي مفاد او کټه، لکه منصب، مال، شان او شوکت او داسې نورې نزعاتې یې له ذهنه ایستل کیږي.

د جگړې دوه پاروونکي دي:

1. دنیوي کټه او له حاکم نظام څخه وپره: دېږي ځواکونه چې جگړه کوي، موخه یې دنیوي کټه او هغه اسانتیاوې وي چې یوه حاکم نظام خپلې اردو ته چمتو کړي وي، همداراز له حاکم نظام سره د ترسره شوي تعاقب او د تخلف په صورت کې د سزا له وپړې څخه ځواکونه کله ناکله داسې جگړو کې ښکېلېږي چې عقیده او باوري یې ښکېلتیا نه ایجابوي.

2. د ایمان او عقیدې له مخې جگړه: دویم باعث بیا ایمان او عقیده ده، د اسلامي نظام ساتنه او د اسلامي شعاعرو درناوی دی چې په دغو دواړو بواعثو کې لاندې توپيرونه لیدل کیږي:

الف: هغه ځواک چې د مادیاتو یا د حاکم نظام له وپړې جگړه کوي، جگړه یې پر مادیاتو متکي ده، رضاکاران په کې شتون نه لري او که د مادیاتو اتکایې لیرې یا

څپڅپانده شوه؛ نو د ځواک ځنځیر شلېږي او افراد یې تښتې. خو هغه ځواک چې ایمان او عقیدې یوځای کړي وي، حتی که د ژوند لومړنۍ اړتیا خوراک هم ورته ونه رسیږي، وحدت او صف یې نه متزلزل کیږي او نه هم ترمنځ یې کدوډي رامنځته کیږي، په دې لړ کې د رسول الله صلی الله علیه وسلم په غزواتو کې ګڼ شمېر مثالونه او بېلګې شتون لري.

ب: هغه ځواک چې یوازې پر مادیاتو متکي ذهنیت لري، د جگړې په ساحه کې د خپلې وړتیا لاس سلنه طاقت نه مصرفوي، او زیات تمرکز یې د جگړې د ګټلو په پرتله ځان ساتنې، تېښتې خیانت ته وي. خو په بل اړخ کې بیا د ایمان د قوت پر بنسټ ځواک قرباني وړاندې کوي او له هغه عقیدې دفاع کې خپل ځان قربانول هم ورته داسې ښکاري چې حق یې نه دی ور ادا کړی.

ج: همداراز په لومړي صورت کې جگړه یو ماموریت ګڼل کیږي او په دویم صورت کې تر ټولو ستر عبادت چې په اړه یې له ترسره کوونکي سره په قران کریم او احادیثو کې سترې وعدې شوي دي.

د: دغه راز که په لومړي حالت کې بیا خپله نه شي او ځواک له منځه لاړ شي، ستره ضاعفه ګڼل کیږي خو په دویم اړخ کې بیا ځواک خپل مسؤولیت ادا کړی، دیني فریضه یې پرځای کړې او له الله جل جلاله سره یې کټمنه سودا ترسره کړې ده. له همدې امله اړینه ده چې د

ځواک اعتقادي برخې ته اړینه پاملرنه وشي او له نورو ټولو برخو څخه دا برخه تر ټولو مؤثره، اغېزمنه او بریاته نژدې ده.

روجي او نفسي چمتووالی:

په دې برخه کې د ځواک روجي او نفسي برخه غښتلې کیږي، داسې چې د ځواک هر فرد کې ټول هغه ضروري حسنه اخلاق شتون ولري لکه زورتیا، اقدام او اقتحام، ځان نذرانه کول، زغم، چټکتیا او هغه اخلاق چې ظروف او مکان یې غوښتنه کوي. د جهاد دا چمتووالی له نفس سره په مبارزه پیل کیږي، یو تن چې پر نفس نه شي برلاسه کېدای نه شي کولای چې پر دوشمن برلاسه شي، همدې استعداد او چمتووالی ته رسول الله صلی الله علیه وسلم په دې حدیث کې اشاره کړې ده: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَجِدْ يَهُدِي نَفْسَهُ، مَاتَ عَلَى شَعْبَةٍ مِنْ نَفَاقٍ» (1). له حدیث څخه معلومیږي چې په ځواک کې باید روجي استعداد شتون ولري او نښه یې دا ده چې له ځواک سره همېشه د جهاد فکر، غم او هم وي او په نفسیاتي توګه باید په هرځای او په هر ډول ظروفو کې چمتو وي، د دې روزنې بېلګې په ګڼ شمېر صحابه وو کې لیدل کېدې، حنظله رضي الله عنه یې ښه بېلګه ده چې د واده په شپه پرې غږ کیږي او نوموړی ورته چمتو دی.



سیاسي چمتووالی:

اړینه ده چې له سیاسي پلوه هم ځواک ورزول شي، داسې چې ځواک باید خپل دوښمن هر اړخیز تحلیل کړي، د دوښمن د طاقت حجم ځان ته معلوم کړي، سرحدونه او د ضعف نکات یې وپېژني، د هغوی د جگړې تکتیکونه او طریقې وپېژني، وسله او ټیکنالوژي او نور اړوند جنګي اوزار او اړیکې یې ځان ته معلوم کړي. په لاندې آیتونو غور کوو: [أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعَ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ بِيَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (11) لئن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نُنصُرُهُمْ لِيَؤَلِّنَنَّ الْآذِبَارِثُمْ لَا يَنْصُرُونَ (12) لئن أَشِدَّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنْ اللَّهِ ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (13) لَا يقاتلونكم جميعاً إلا في قرىٍ محصنةٍ أو من وراء جدرٍ بأسهم بينهم شديدٌ تخسبهم جميعاً وقتلويهم شتى ذلك بأنهم قومٌ لا يعقلون} [الحشر: 11 - 14].

په دې آیتونو کې الله جل جلاله مسلمانانو ته د خپل دوښمن اته ضعیفې نکتې په وړښيي:

- ترمنځ یې نفاق دی، اتحاد او وحدت ترمنځ نه لري.
- مقاومت نه شي کولای او د جگړې له میدانې تېښته کوي.
- د مسلمانانو له ځواک څخه ډېر زیات وېرېږي.
- ناپوهه او تفقه نه لري.
- یوازې په میدیایي او اعلامي جگړه خوښوي او

مخامخ جگړې وړتیا نه لري.

- د ځواک ترمنځ یې اړیکې او تعلقات مضبوط او پیاوړي نه دي.
- کم عقل او احمقان دي.

نظامي چمتووالی:

نظامي چمتووالی دېته وايي چې د دولت په آډانه کې نظامي جوړښتونه شتون ولري چې له دغو ارګانونو څخه یو یې د دفاع وزرات دی. ننۍ نړۍ چې هر هېواد د بل هېواد غلیم او په کمین کې ورته ناست دی، د دې انتظار باسي چې له هر فرصته په کې لاسوهنه وکړي، اړینه ده چې هر دولت او حکومت ځواک ولري او داسې نظامي اوزار جوړ کړي چې د دوښمن د سترګو اغزی شي، له همدې امله په نړۍ کوم هېواد له ځواک پرته شتون نه لري. خودا په دې معنا نه ده چې هر دولت دې جگړه وکړي، بلکې په عامه توګه ځواک د امن په حالت کې تنظیمېږي، سمبالېږي او د جگړې په زمانه کې بیا د جگړې ډګرونو ته وړانګې، له همدې امله مسلمانانو ته هم حکم شوی دی چې د امن له فرصت څخه په ګټه اخیستنې، د جنګ حالت ته بشپړ چمتووالی ولري او نظامي ځواک او سمبالښت ته یې پام وړ واړوي، چې د مقالې د سرریزې په آیت کې همدا حکم موږ ته متوجه دی. نظامي چمتووالی بیا درې برخې لري:

الف: جسماني چمتووالی: دېته وايي چې د ځواک د هر فرد بدن او جسم په ځانګړو تمرینونو او خوراکي رژیم چمتو شي چې د جگړې او د ځانګړو جګړیزو اوزارو د استعمال جوګه او بدني وړتیاوې یې لوړې شي، دغه راز له هغو خوراکونو څخه یې مخنیوی وشي چې بدن ته یې تاوان رسوي یا یې ورسره بدني طاقت کمزوری کيږي.

ب: نظري چمتووالی:

ضروري ده چې د هېواد ځواک د جگړې پر عامو اساساتو، مبادئو خبر وي، د بېلابېلو وسلو په طبیعت او استعمال او د جگړې په تکتیکونو معلومات ولري، برې، بحري او فضايي جگړو سره آشنا او د نفساني جگړې له اسبابو او درملو باخبره وي، همداراز د زمان او مکان د بدلون له پلوه د جگړې په نمط او شيوه کې په بدلون کافي معلومات ولري.

ج: عملي چمتووالی:

د نظري زده کړو ترڅنګ عملي زده کړې، د وسلو استعمال او بېلابېل پوځي تمرینونه او مناوړې هم اړینې دي ځو له جگړې مخکې نظري پوهه په ډګر کې په عمل بدله کړای شي او د اړتیا پرمهال پر عمل قادر وي.

وما توفیقي إلا بالله علیه توکلت وإليه أنیب



د افغانستان اسلامي امارت دفاعي ځواکونه

د اسلامي او ملي ارزښتونو
لپاره هر ډول ایشار او
قربانی ته چمتو دي.



نیروهای دفاعی کشور با فراگیری تعلیمات مسلکی در صنوف
مختلف، بیشتر از گذشته مستقل و خود کفا بوده و آماده دفاع
در برابر هر گونه تهدیدات می باشند.





د افغانستان اسلامي امارت دفاعي ځواکونه

د اسلامي او ملي ارزښتونو
لپاره هر ډول ايتار او
قرباني ته چمتو دي.





د فتحی د لومړی کلیزی لمانځنه





د فتيحي د لومړۍ كليزي لمانځنه





د فتحې د لومړۍ کليزې لمانځنه





د فتحې د لومړۍ کليزې لمانځنه





وخت او ور سره زمور غفلت

ابولاکرام عبدالقهار (خالد)

د هرڅه له مخې شاید دا سوال ذهن کې راپیدا کېږي چې ولې زمان مدیریت شي؟ او ضرورت یې څه دي؟ که چیرې خپل وخت او زمان کنترول او مدیریت نه کړو کوم مشکلات مینځ ته رازي؟ په جواب کې باید وویل شي، چې وخت د کران ترینو او مهم ترینو شیانو څخه دی چې مفت دیو انسان په لاس کې دی، او د الله یو د هغه خاصو نعمتونو څخه دي چې دیر انسانان یې پرې نازولي دي. او هر فرد کولای شي په ښه هدف او برنامه ریزې باندې خپل د آینه ژوند دنیا کې او یا همداشان خپل د سبا آخرت سم کړي. دیر خلک په دې باور دي چې وخت سره زر دی او په مادي معیارونو یې اندازه کوي، مگر حقیقت دا دی چې وخت د سرو زرو او نورو قیمتي شتمنیو په پرتله خورا ارزښتناکه او بهتره دي. بشايي ووايو: د مثال په ډول د هغو کسانو لپاره سمه ده چې هر څه یوازې د شتمنی او سرمایې له نظره اندازه کوي، مگر یقینا چې وخت د سرو زرو څخه دیر ارزښت لري. وخت هغه قیمتي سرمایه ده چې په سمه توګه وکارول او کنترول شي، نو د معنوي ارزښتونو په لور به الوتنه وکړو او د وقار اوج ته په ورسېږي. شېبې او ثانیې دېر ارزښت لري، باید قدر یې وکړو، د رنگارنگ کلونو قدر وکړو، ځکه چې د دوی د ژوند پسرلی به ژر پای ته ورسېږي، موږ هم باید د روغتیا د شیبو قدر وکړو او د

امکان تر حده ګټه ترې واخلو، ځکه چې د شیبو، میاشتو او کلونو د ارزښت په اړه په غفلت او فکر نه کولو سره د برياله کاروان څخه شاته پاته کېږو. په یقین سره ویلای شو کوم کسان چې نن یې نومونه په مجالسو او محفلونو کې اخیستل کېږي او د مجلس اعضاء یې له نامه څخه یو قسم گرمي او د خوند احساس کوي هغوی د داګوهر ناپیدا (وخت) څخه په صحي توګه استفاده کړې او وخت یې غنیمت بللي او هغه یې ښه مصرف کړي دی. تاسو فکر وکړي کله کله انسان د هغوی داسې شاهکارونو او خدمتونو ته فکر یوسي چې ته به وا یو (500) پنځه سوه کاله یې عمر کړي دي، چې دومره عظیم خدمتونه او شاهکارونه یې وکړل چې له ځان وروسته یې مسلمة امت ته په میراث پرېښودلنډ طور باندې لکه؛ علامه عبدالحی لکنوي، امام جلالین سیوطي، امام ابن جوزي، امام نووي، ملا علی القاري، مولانا اشرف علي تهانوی او داسې نور ...

اما واقعیت خبره داده چې دا نځبه ګانو، بزرګانو او د جهان اسلام ستر خادمانو د وخت له ثمره نیکه استفاده او په ښه لاره یې مصرف کړنو ځکه نن یې جهان د خدمتونو د احسان پوروري دي. هر انسان په خپل ژوند کې اهداف او مقاصد لري چې غواړي هغه ته ځان ورسوي له دنیوي، اخروي، اقتصادي، اجتماعي او اصطلاحي یا داسې نور اهداف ...

هغه بهترینه لار ورسیدلو ته د هدف برنامه ریزی او مدیریت د وخت دی، څوک چې خپل یو ساعت ته مدیریت او برنامه ولري هغه ته رسېږي او همداشان کولای شي د یوې ورځې، هفتې، میاشت او د کال لپاره خپل اهداف او برنامه ولري چې په سالم مدیریت سره ورته رسیدلای شي، او د همدې مدیریت له برکته به په لږ وخت کې ستر او غټ کارونه تر سره کولای شي. او کوم شخص چې هدف نه لري او یا هدف لري ورسره مدیریت د وخت نه وي نشي کولای د ژوند په ستونځو او کړاونو باندې کنترول پیدا کړي داسې اشخاص به تل ناکام وي. ځکه کوم شخص چې برنامه لري او ورته پلان سنجوي هغه په خپل کار باندې پوه او سنجېده روان وي او کولای شي دیر و سختو او ستونځمنو کارونو ته اوږه ورکړي او په سالم مدیریت سره هغه سر ته هم ورسوي، ځکه په همدې وخت باندې ستا د کار، هدف او مقصد لپاره ښه کولای شي ځان ورسوي. مثلاً په یوه رش او ترافیکي لارو کې یو شخص څومره فکر کوي تر څو ځان له داسې زیات ګڼه ګوڼې څخه لیرې کړي او ځان ورڅخه وباسي همداسې کولای شي د ژوند په دومره مشکلاتو او تکلیفونو کې لار وباسي او خپل مقصد او هدف ته ورسېږي. کوم څوک چې خپلو کارونو بالخصوص د وخت مدیریت ونه لري اکثره وخت یې په دې باندې مصرف کړی وي چې



پیوند دین و سیاست

مفتی عنایت الله (خوارزمی)

چکیده:

دین اسلام به مثابه یک نظام و برنامه جامع و فراگیر در تمام ابعاد زندگی بشریت بوده، دارای اهداف، مقاصد، راهکارها و رویکردهای خاص خود را دارا می باشد. در زمینه سیاست و حکومت داری نیز جهتگیری خاصی دارد. ضمن پذیرش امور معقول سایر مکاتب و گروه ها با گامهای استوار و مقتدر خود، راهی غیر از دیگران را در پیش می گیرد، با توجه به بینش ها و جهان بینی خود، امور مردم و مملکت را، به گونه منحصر به فرد خود، سامان می دهد و می کوشد بسان زنجیره به هم پیوسته سعادت آفرینی نماید، در این زمینه بشر را به سعادت و خوشبختی اصیل و بنیادین خود می رساند.

مقدمه:

دین و سیاست دو پدیده ای است از بدو پیدایش بشر با زندگی بشر گره خورده است، در هیچ برهه از زمان گروهی و یا شخصی پیدا نشده که از وجود دین و سیاست در صفحه زندگی انکار کرده باشند. حتی آنهایی هم که در زبان تظاهر به انکار می کنند، اما در واقعیت و زندگی عملی پذیرفته اند که دین و سیاست مثل اشیا دیگری با حیات انسان پیوند تنگاتنگی دارد. چون این حقیقت که در هر اجتماع کوچک یا بزرگ

اوس باید خُده و کبری چپ همدا عیناد وخت غلا ده، که چیری یو شخص د وخت په اهمیت او ارزښت باندي قائل وي بیا هم د اجراء لپاره نه لاس په کار کیږي او د وخت کنترول یې نه وي معلوم داسي اشخاص هدف ته نشي رسیدلای ځکه صرف علم راوړل پر مدیریت د وخت باندي نشي کولای تاسو هدف ته ورسوي وروسته تر هغه کولای شي چي عمل مو ورسره ملکري وي. هغه څوک چي واقعا غواړي هدف ته ورسوي او معلوم هدف یې وي نو مجبور دی چي د ښه کمیت او کیفیت لپاره خپل وخت کنترول او مدیریت کړي. په ژوند کې د یوې موخې درلودل د فعالیت، هڅې او هڅونه ده او هغه خلک چي روښانه او لوړ هدفونه ولري د قدر وړ وي او په ښه روحیه او حوصلې سره یې پر لوړ حرکت کوي، خو که انسان په ژوند کې هدف ونه لري ژوند به یې په تپه ولاړ وي، لکه څنگه چي معلومه ده له واضح هدف پرته تگ ستري کیدونکي وي.

نوټ: د ځان لپاره هدف ټاکل یو د هغه مهمو برنامه څخه دی چي یو انسان د وخت له ضایع کولو څخه ساتي او د هدف تمرکز یې د بیکاري ټکی او بی ځایه وخت تیروولو څخه راگرځوي او ځانته یې را جلبه وي، بې هدفه انسان تل د شیطان د دسیسو ښکار شوی وي او د هر راز خدمتونو څخه محرومه پاته شوی وي. ځانونو ته هدف وټاکئ په خپل جوړ شوي طرز العمل باندي تگ وکړئ او له ځانه د پورته نومول شویو او محترمواشخاصو غوندي نیک او یو ستر خادمان ځانونه جوړ کړي

پاره ای از مشکلات جمعی وجود دارد که نیازمند تصمیم گیری کلی می باشند و بخاطر داشتن یک زندگی سالم و بهتر در یک جامعه مهمترین چیز نظم است، انسان ها را به پذیرش مقوله ریاست ترغیب کرده است، و مقید به یک دین می سازد. البته نکته تامل برانگیز این است که آیا پیوند میان دین و سیاست پیوندی از نوع تضاد و ناسازگاری است آن هم چگونه ای که چنانچه یکی از آنها وجود داشته باشد دیگری را از میدان به دور کند و یا اینکه رابطه آن دو رابطه سازگاری و هم آوایی است، هیچ یک از دیگری بی نیاز نیست و از همدیگر جدای ناپذیرند. درین مقاله به چهار موضوع محوری و مهم تمرکز صورت گرفته است.

1. معنی لغوی و اصطلاحی دین و سیاست
2. پیوند دین و سیاست و دیدگاهها
3. بطلان دیدگاه سیکولارها
4. تاریخچه شبهه ای معروف (دین از سیاست جداست)

معنی لغوی واژه دین:

دین در لغت به سه معنی می آید.

1: مالکیت و فرمانروای، دخل و تصرفی که در حوزه کار حاکمان است. مانند که عرب ها می گویند (دانه دینا) یعنی برآن فرمان راند و مدیریت کرد، برآن غالب گشت و مورد بازخواست اش قرار داد،



در رابطه به آن داوری نمود و پاداش داد. لفظ دین «در مالک یوم الدین» (آیه چهارم سوره فاتحه) نیز به همین معنی است یعنی به معنای روز باز خواست روز پاداش و مجازات است.

در حدیث نیز آمده است: «الکیس من دان نفسه» آدم فرزانه کسی است که بر خود مسلط و چیره است (ترمذی: 2453)

۲: به معنای اطاعت و فرمانبرداری مانند که عرب‌ها می‌گویند دان له یعنی او را اطاعت کرد و تسلیم او شد

۳: چیزی را به عنوان مذهب خودش قرار دادن و بدان عادت پیدا کردن و برایش خلق و خوی کردن مانند عرب‌ها می‌گویند (دان بالشی) یعنی آنرا به عنوان دین و مذهب خویش برگزید. نظر به معنی سوم می‌توان واژه دین را به مذهب و طریقه تفسیر نمود که انسان از جهت تئوری یا عملی آن را در پیش می‌گیرد و مذهب عملی هر انسان همان عادت و خلق و خو و عملکرد اوست. پنهان نیست که چگونگی بکارگیری دین در نوع سوم تابع دو نوع بکارگیری پیشین خود است زیرا عادات و باوری که پذیرفته شده اند چنان چیرگی بر صاحب خود دارند که او را به تسلیم و تبعیت از خواسته آن وادار می‌نماید.

معنی اصطلاحی دین:

در اصطلاح دین عبارت است از مقررات الهی که اصحاب اندیشه سالم را بر پایه گزینش و انتخاب خود به آسودگی و رستگاری آخرت راهنمایی می‌کند. یکی از غربی‌ها پدرو شاتل در کتاب

انسانیت می‌گوید: (دین مجموعه ای از مسیولیت و واجبات انسان در برابر الله در رابطه با خود و دیگران است). ابوالبقاء در کتاب کلیات خویش می‌گوید (دین مجموعه ای از هدایات الهی است که اصحاب اندیشه را بر پایه حسن انتخاب خویش به سوی خیر و منافع حقیقی راهنمایی می‌کند، برخی از آنها قلبی و معنوی هستند، مانند آگاهی و ایمان، و برخی دیگر عملی می‌باشد، مانند نماز، روزه، حج، و دادگری و حفظ حقوق دیگران. گاهی پیش می‌آید که از آن معنی گذر می‌شود و فقط برای ریشه و نسب استعمال می‌گردد و در عین حال بمعنی ملت و امت است همان گونه که خداوند می‌فرماید «دینا قیما ملة ابراهیم» (انعام: 161) دینی استوار و ارزشمند بکتاپرستی، آیین ابراهیم حق طلب و باطل ستیز ابراهیمی که از مشرکان نبود.

و در مواردی نیز دامنه بکارگیری آن محدود تر می‌گردد و تنها برای شروع استعمال می‌شود، همان گونه که خداوند می‌فرماید «ویقیمو الصلوة و یؤتوا الزکاة و ذالک دین القیمه»: نماز را برپا دارند و زکات اموالشان را بدهند دین استوار و پایدار همین است.

معنی لغوی واژه سیاست:

سیاست در لغت از ریشه ساس یسوس سیاست گرفته شده است یعنی پرداختن به تامین نیازهای حیوانات است. و در اصطلاح از برای سیاست تعاریف متعددی صورت گرفته است.

کتاب دایرةالمعارف دانش سیاسی از انتشارات دانشگاه کویت به نقل از رویبر سیاست را اینگونه تعریف کرده: (سیاست هنر و شیوه درست مدیریت جامعه های بشری است.) در دایرةالمعارف کامل تعریف سیاست چنین آمده: سیاست به حکومت نمودن و مدیریت یک جامعه مدنی پیوند دارد. واژه سیاست دارای بکارگیری های متعدد است.

1: سیاست در این استعمال تقریباً معادل و هم ردیف واژه مدیریت بکار می‌رود به ویژه امور فرعی مانند سیاست حمل و نقل، سیاست انرژی، سیاست تولید ماشین آلات

2: واژه سیاست معادل اصطلاح استراتژی استعمال می‌گردد مانند سیاست حزب و یا سیاست دولت

3: در لایبای واژه سیاست به گونه اشاره ای تحقیرآمیز وجود داشته باشد و نگاهی پلشت سرگردان به سیاست داشته باشد. این جاست که به سیاست به عنوان حوزه ای مملو از زشتی و اقدامات غیر اخلاقی و مشمئز نگاه می‌شود.

پیوند دین و سیاست:

پس از آن که با معنای این دو واژه آشنا شدیم، اکنون می‌توانیم چگونگی رابطه ای هر یک با دیگری به درستی درک کنیم. درباره پیوند این هر دو دیدگاه کلیدی و مهم وجود دارد. اکنون هر یک از این دو دیدگاه را بررسی می‌کنیم تا ببینیم کدام به حق و حقیقت نزدیک تر است، و کدام به شبهه و واهی می‌ماند و این



این شبهه از کجا پیدا شده است.

دیدگاه سیکولارها:

مارکسیست‌ها و سیکولارها رابطه میان دین و سیاست را فقط رابطه ناسازگاری و تقابل می‌بینند و براین عقیده‌اند که دین و سیاست باید یکدیگر دشمنی دیرینه‌اند و از آنجا که ریشه و سرچشمه طبیعت و اهداف هر یک از اینها با همدیگر متفاوت است چون دین از طرف خدا آمده و سیاست اندیشه و عملکرد انسان است دین پیام آور پاک‌ی و پرهیزکاری و زلال است و سیاست سرچشمه خبیث و خیانت و فریب کاری است هدف دین کامیابی در دنیای دیگر و هدف سیاست دستیابی به خواسته این دنیاست در نتیجه دین را باید به دینداران و سیاست را به سیاستمداران واگذار کرد. و این‌ها بیشتر تبلیغات شان بر این است (دین از سیاست جداست)

دیدگاه مسلمانان اما اسلام گرایان و دانشمندان اسلامی بر این باورند که پیوند و رابطه در بین دین و سیاست نه تنها که رابطه تقابل رویاروی نیست بلکه سیاست نیز مثل دیگر احکام و شعارهای مقدس بخشی از دین است. و هیچگاه جدا از هم نیست بلکه دین اسلام مجموعه هماهنگ و کامل کننده یک دیگر، شامل عقیده، عبادت روابط اجتماعی، دعوت، سیاست و دولت است.

وجود دولت اسلامی و نظام اسلامی هم مسوولیت و هم ضرورت است. مسوولیت و فریضه ای دینی، ضرورتی حیاتی و سرنوشت ساز. و به هیچ وجه دین از سیاست و سیاست از دین

جدا نیستند و ادعای اینکه در دین سیاست و در سیاست دین جای ندارد، ادعای باطل و غیرعملی است. البته یکی از بارزترین و مهمترین مظاهر سیاست برپای دولتی است که دین اسلام را در مقام شایسته اش قرار دهد، و آموزه‌های آنرا به اجرا بگذارد. در واقع مسلمانان در طول تاریخ زندگی اجتماعی خویش با این جدای و قطع رابطه میان دین و دنیا دین و سیاست دین و دولت آشنایی نداشته است.

بطلان دیدگاه سیکولارها:

نظریه سیکولارها با دلایل که مطرح کردند مردود هستند. بلکه شبهه ای است برخاسته از مقطع خاص زمانی؛ چون تبلیغات که آنها شعار می دهند، همراه دیدگاه شان علمی و یقینی نیست؛ زیرا برخی از سیاست‌ها جزو دین و شریعت خداوند است و این نوع سیاست‌ها که به هیچ وجه خبیث و خیانت به شمار نمی آید بلکه سیاست قرار گرفته بر روی ارزش‌های اخلاقی هستند. و سائیلی بر شمار می آید برای بدست آوردن اجر اخروی و خوشنودی خداوند و تلاش تحقق دادگری مورد نظر او.

اما آنچه که سیکولارها مردم را بسوی فرا می خوانند اگر واقعاً خودشان به چیزی که تبلیغ می کنند معتقد باشند و شبهه ای محض نباشد پس چرا بوش رییس جمهور آمریکا و باند او در جناح راست گرای مسیحی افراطی قرار گرفت؟

برای مهر تایید نهادن بر سیاست‌های سرکشانه و خودکامگی خود در برابر جهانیان چگونه دیانت مسیحیت را به خدمت گرفت. از طرفی دیگر در اروپا شاهد هستیم که افرادی برای دستیابی به دولت، به مسیحیت توسل می جویند و خود را به دیانت ربط می دهند. تمام عالمان، حکیمان و مصلحان اهل ایمان بر این باورند که ایجاد ارتباط میان دولت و دیانت صحیح پیامدها بسیار مبارک و سودمندی را برای مردم در بر خواهد داشت بیرونی در کتاب (تحقیق ما للهند من مقولة) می گوید هر فرمانروایی بر پایه‌های باورهای پذیرفته شده مردم استوار باشد هر دو روبرو به کمال می نهند و پیوند میان فرمانروایی و دینداری کارها را روبرو می کرده اند. این خلدون در مقدمه مشهورش میان دو گونه جامعه قایل به تفاوت است: یکی جامعه صرفاً دنیوی و دیگری جامعه دینی و دنیوی او این دومی را بسیار بهتر و مفیدتر از اول می شمارد، و به نقش دین در زندگی اجتماعی اعتراف می کند و آنرا کمتر از نقش نژادی به شمار نمی آورد. به همین خاطر جامعه الگو و آرمانی از نگاه این خلدون جامعه ای است که دین و دولت با یکدیگر پییمان اخوت بسته باشد. امام ابن قیوم جوزی می گوید:

نباید گفته شود که سیاست و مدیریت دادگرانه با شریعت همخوانی ندارد زیرا نه تنها با آن چه شریعت برای



تحقق اش آمده سازگار است در واقع بخشی از آن بشمار می آید. آری اگر سیاست عبارت است از کلاهبرداری و حقه بازی و استعمار و استثمار حقاکه اسلام از آن بدور می باشد و دین از آن جدا می باشد

تاریخچه شبهه ای (دین از سیاست جداست) این شبهه در مقطع تاریخی خاصی مطرح شد؛ چون در اروپا رهبران کلیسا به نام خداوند و به نام دین (دین حضرت مسیح علیه السلام که به اعتقاد ما مسلمانان تحریف شده است) افکار و نظرات خود را به اجبار بر مردم تحمیل نمودند و مانع پیشرفت علم و تکنولوژی و..... می شدند.

رسانس (دوره پیشرفت و رهایی اروپا از چنگال کلیسا) با همه مخالفت های اربابان کلیسا اتفاق افتاد، و مردم اروپا موفق به مغلوب کردن کلیسایان شدند به تعبیر خودشان سیاست، علم و تکنولوژی بر دین (البته دین که به آنها معرفی شده بود) غلبه یافت و آنرا حاشیه راند، بعد از این گفتند دین را باید از عرصه ای حیات سیاسی و اجتماعی و..... جدا نمود البته حق هم داشتند چراکه از یک طرف دین کلیسائیان فقط به جوانب روحی اندکی اهمیت می داد و از طرف دیگر اربابان کلیسا خواسته های فطری سرکوب خود را به هوی و آرزو های نفسانی درهم آمیخته به نام دین بر مردم تحمیل کردند اما امروزه برخی بدون در نظر داشتن تفاوت های دین اسلام، با دین های معرفی شده در اروپا و بدون در نظر آوردن تفاوت فرهنگی دو جامعه اسلامی و

مسیحیت همان نسخه را تجویز می کنند دشمنان اسلام نیز در پی دامن زدن به این مطالب هستند. با در نظر داشت مطالبی گذشته می توان گفت هیچ گروهی در هیچ جای در هیچ برهه ای از زمان بجز یک مقطع خاص تاریخی در اروپا آن هم بخاطر به ستوه آمدن از جانب اربابان کلیسا به جدایی دین از سیاست معتقد نبوده است. مخصوصا دین اسلام که کاملترین و معتدل ترین و فراگیرترین دین است هیچ گاه جدا از سیاست نبوده نمی تواند

نتیجه گیری:

براستی قانون که از آغاز تا انجام می تواند بشر را از بدبختی ها برهانند و به سرچشمه سعادت واقعی برساند جز دین خدا و قانون اسلام نیست.

اگر امور سیاسی نیز مطابق نظر اسلام پیش رود بدون شک محترم بوده و باید برای آن ارزش قایل شد. پیوسته جریانات اسلامی از اندیشه های متنوع، راهکارهایی متفاوت و راهبردهای متعدد برخوردار بوده اند برخی تربیت خالص ایمانی را پیشه خود ساخته و معتقد بوده اند که غوطه ور شدن در دنیایی سیاست پیامدی جز گرفتاری و آفت های که باید از آنها رهای یافت، ندارد. در حقیقت این گروه با داشتن چنین تفکر بسته ای، خود نخواستند به دام تشر از سیکولارها و غرب افتاده و دچار آفت کشنده ای شده اند. در نهایت باید گفت

اسلام دینی نیست که تنها با معنویات سرو کار داشته و نسبت به مادیات بی تفاوت باشد، بلکه برای هر یک از معنویات، اخلاق، سیاست، اقتصاد و اجتماع جایگاهی خاصی قایل است.

1. سکولاریسم (به فرانسوی: sécularisme)، گیتی گرایی یا جداانگاری دین از سیاست، عقیده ای است مبنی بر جدایی نهادهای حکومتی و کسانی که بر مسند دولت می نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام های مذهبی است. این اندیشه، به صورت کلی، ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد.

2. مارکسیسم، مکتبی سیاسی و اجتماعی است که توسط کارل مارکس فیلسوف و انقلابی آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم ساخته شد اساس مارکسیسم، بر این باور استوار است که تاریخ جوامع، تاکنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است.

منابع:

1. قرآن
2. ترمذی
3. قرضاوی، دکتر یوسف، مترجم: سلیمی، عبدالعزیز، باید و نباید های دین و سیاست، ناشر: نشر احسان
4. علی، هادی مترجم: زمردی عرفان جامعه مدنی و سیاست سیاسی اسلام ناشر نشر احسان
5. علامه محمد تقی عثمانی، مترجم: عبدالغنی شیخ حامی، اندیشه های سیاسی حکیم الامت مولا اشرف علی تهانوی، انتشارات: صدیقی



آموزه های سیره نبوی در عرصه سیاست و قیادت



مفتی عبدالله (اسحاق زهی)

بخش اول

چکیده: سیره پیامبر اسلام در زمینه سیاست و رهبری، سیره شخصیتی بی نظیر و بی مثال است که می تواند، درس ها و تعلیمات و رزینی برای جهانیان داشته باشد؛

چرا که وی توانست در عصری که جهان از قوانین بین المللی و دیپلماتیک چیزی نمی دانست، به روزترین و کارآمدترین ضوابط و قوانین سیاسی، مدنی و نظامی را آموزش داده و در این راه نمونه های نوینی را عرضه کند. جهان اسلام نیز که به عنوان رهروان و پیروان ایشان به حساب می آیند از این سرمایه گران بها برخوردار هستند و می توانند با الگو قرار دادن این فرامین سیاسی و رهبری، نمونه ای جدید از حکومت داری را به عرصه وجود بیاورند. از این جهت، در این نوشتار سعی بر آن خواهد شد تا با بررسی آموزه های پیامبر اسلام در زمینه سیاست و

ایشان مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا نیز مباحث مختصری پیرامون سیاست از دیدگاه اسلام و آموزه های دینی ارایه شده است.

مقدمه: پیامبر اسلام به عنوان آخرین پیام رسان الهی و خاتم سلسله پیامبران، به تمام جوانب و زمینه های زندگی توجه ویژه ای مبذول داشته و برای هر گوشه آن آموزه ها و آموختنی های گران بهای داشت. او شخصیت ممتاز و جامعی بود که با بینش صحیح، تدبیر و سیاست سنجیده خود، برورترین و موثرترین راه کارها و نقشه های پیروزی و موفقیت را به بشریت آموخت. ایشان نه تنها در بُعد عبادات، اخلاق، معاشرات و معاملات معلم امت بود، بلکه در زمینه سیاست و نظام اداره کشورها نیز آموزگاری بی بدیل و معلمی به تمام معنا بود. با مطالعه سیره نیک وی می توان درک صحیح و شفاف از

سیاست نظامی، اداری، جهادی و حزبی بدست آورد و با مقایسه گرایش های غلط سیاسی امروزی که بر مبنای خودکامگی، ظلم و نیرنگ استوار است با سیاست ناب نبوی می توان جایگاه سیاست نبوی را درک کرد. از طرفی، سیره نبوی همچنین برای رهبران و زمام داران جامعه اسلامی کارسازترین و سازنده ترین آموزندها، دستورها و راه کارها را دارد و رهبران حکومت اسلامی با الگو قرار دادن دستورات نبی اکرم در زمینه قیادت و رهبری، فصلی متفاوت و پویا را در زندگی خود تجربه خواهند کرد. شیوه عملکرد نبی اکرم و روش رهبری وی از ابتدای بعثت، دوران مکی و هجرت های جزئی، هجرت به مدینه، شرکت در غزوات و نبردها، پیوند دوستی میان مهاجرین و انصار، امضای پیمان هم زیستی با اهل کتاب و نمونه بارز و متفاوتی از سیاست و قیادت ناب نبوی را نمایان می



سازد و نبوغ ایشان را در این زمینها هویدا می‌کند.

دکتور، عباس محمود عقاد، پیامبر خردمندی و چیره دستی پیامبر اسلام در زمینه سیاست جنگی می‌نویسد: «نپلئون همواره در فنون و فورمول‌های نظامی به ویژه نقشه‌های جنگی رأی و نظر خود را ترجیح می‌داد و به آن توجه می‌کرد ولی با وجود این، بازهم از مشاوره با یارانانش بی‌نیاز نمی‌شد، اما پیامبر اسلام ﷺ با وجود آنکه عقل و بینش وی از همه کامل‌تر بود، بازهم در زمینه نقشه‌های جنگی و تاکتیک‌های دفاعی با اصحاب و یاران خویش مشوره می‌کرد و به بهترین وجه مشوره آنان را قبول می‌کرد. داستان قبول مشوره حضرت سلمان برای حفر خندق از بارزترین نمونه‌های آن است.» (عقاد، بی‌تا: 37)

دکتر محمد سعید رمضان بوطی می‌نویسد: «آنچه از وقایع احد برایمان واضح می‌شود آن است که پیامبر اسلام از خرد و اندیشه ناب نظامی و سیاسی در نبردها برخوردار بود و از همه فرماندهان و سردمداران جنگی در زمینه تعیین تاکتیک‌ها و گونه‌های نبرد و سیاست مقدم بود.» (بوطی، بی‌تا: 178)

در واقع پیامبر اسلام ﷺ با در نظرگیری شرایط و اوضاع پیرامون خود و با داعیه تشکیل حکومت پایدار اسلامی سیاست‌ها و بینش‌های سیاسی مقتدر و پایداری را دنبال کرده است و نیز به رهبران اسلامی نکات آموزنده‌ی عرضه کرده است. از این رو، در این نوشتار در ابتدا آموزه‌های سیره نبوی در زمینه سیاست و سپس آموزه‌های نبی اکرم ﷺ برای رهبران و سردمداران اسلامی

اسلامی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سیاست در آموزه‌ها و تفکرات

اسلامی: دین مبین اسلام دینی جامع و فراگیر است که برای تمام شئون زندگی برنامه و دستورالعمل دارد و همه جوانب آن را مدیریت می‌کند. یکی از این جوانب سیاست و امور حکومت داری است؛ چراکه اسلام عبارت از دین و دولت و عبادت و سیاست است و انگاره‌های سیاسی جزئی از اجزای دین بشمار می‌آید که هیچگاه از آن جدا نمی‌شود.

اعتقاد به «جدایی دین از سیاست» در واقع عین آنچه است که تجددگرایان و سکولارهای امروزی به آن دعوت می‌دهند و از این رهگذر به دنبال آن هستند تا دین را در یک وادی و سیاست را در وادی دیگر قرار دهند. اما شکی نیست که سیاست دینی با مفاهیم گسترده خویش یکی از اجزای دین مبین اسلام و از پایه‌ها و بنیادهای اساسی آن است. شاهد برایین مدعا آیاتی است که به مبانی و دستورات حکومت اسلامی اشاره دارد و حکم را برای خداوند ثابت کرده است. مانند: **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بِهِنَ النَّاسَ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا** (نساء: 105) **أَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ** (مانده: 49)

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَشْتَعِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِنَّا لِلَّهِ يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (انعام: 57)

این دسته از آیات و دیگر آیاتی که بر شرایط حکمرانی در اسلام دلالت می‌کنند، نشان از آن دارند که سیاست، جزئی عمده از دین و آموزه‌های پیامبر اسلام است.

دکتر یوسف قرضاوی می‌نویسد: «به تحقیق، پیامبر اسلام ﷺ در کنار این که مبلغ، معلم و قاضی بود، شخصیتی سیاسی نیز بود؛ چراکه وی رئیس دولت و امام امت بود و خلفای راشدین وی نیز پس از ایشان سیاست مدارانی برشپوه و روش‌آو بودند و با عدالت و نیکی بر امت سیاست کردند و با علم و ایمان آنان راهبری کردند. (قرضاوی، بی‌تا: 98) دکتر محمد سعید رمضان بوطی می‌نویسد: «از پیمان‌نامه‌ای که رسول الله ﷺ نوشت ادعاهای پوچ انانی ساقط می‌شود که چشمان خود را بر این حقیقت می‌بندند و گمان می‌کنند، اسلام فقط دینی است که رابطه بنده و خدا را ثابت می‌کند و از بنیادهای حکمرانی و قانون‌های اساسی هیچ بهره‌ی نبرده است در حالی که این گفته همچون کهنه ریسمانی است که حرفه‌گران جنگ فکری و بردگان استعمار بوسیده آن به دنبال این بودند که اسلام را مقید و زمین‌گیر کنند تا اینکه تاثیر خود را در جامعه و مجتمع نگذارد و جایگاهی که بتواند بوسیده آن بر دیگر



جوامع تاثیر بگذارد بدست نیاورد. لیکن، هر اتفاقی می‌خواهد بیفتد، بیفتد، اما باید بگویم که تولد و نشأت مجتمع اسلامی در ضمن شکل کاملی از دولت‌داری بود و احکام آن در قالب قانون اجتماعی منظم از تمام جهات و جوانب بود که این پیمان‌نامه نیز شاهد بر آن است.» (بوطی، بی‌تا: 152)

هم چنین دکتر فتحیه النبرای می‌نویسد: «این پیمان‌نامه‌ای که ذکرش گذشت سندی بر این بود که اسلام عبارت است از دین و دولت، و حکومت‌داری یکی از پایه‌های آن است، بلکه می‌توان آن را از اساس‌های اصلی نام برد که پیامبر اسلام ﷺ دولت‌ش را بر مبنای آن در مدینه بنا کرد. این دولت از نمایی دیگر توان و حکمت سیاسی پیامبر ﷺ بود که توانسته بود، امت جدیدی را در زمینه سیاست و روابط بین‌المللی بوجود بیاورد.» از آنچه ذکر شده واضح می‌شود که سیاست سالم و همراه با دیانت و صداقت یکی از اجزای اسلام است و اعتقاد به آن از لوازم این دین است.

آموزه‌های سیره نبوی در زمینه سیاست:

پیامبر اسلام ﷺ فرمانروا و سیاست‌مدار کاملی بود که تصمیم‌ها و دستورالعمل‌های درست و صحیحی را اتخاذ می‌کرد و پس از آن نیز بوسیله وحی الهی تایید می‌شد.

آموزه‌ها و تعالیم وی در زمینه سیاست اسلامی بسیار زیاد و گسترده است و بخش بزرگی از کتاب‌های سیرت به این سمت متوجه شده‌اند. اما از مهم‌ترین و بارزترین این سیاست‌ها به موارد ذیل می‌تواند اشاره کرد:

- سیاست‌گفتمان و مذاکره

با مخالفین: از سیره پیامبر اسلام ﷺ دانسته می‌شود که اختلافات و مشکلات را می‌توان با گفتمان و مباحثه از میان برداشت و همواره نیاز به درگیری و استفادۀ از قوه قهریه و خشونت نیست.

این مسئله را می‌توان از گفتمان ایشان با اهل مکه در ابتدای ظهور دعوت اسلام دریافت. آنگاه که قریشی‌ها نزد ایشان آمدند و به وی مال، ملک، رهبری دنیوی و زن را عرضه نمودند و از وی خواستند که دست از این دعوت بردارد اما ایشان با بیانی صریح فرمودند. من در مقابل آنچه که برایشان آورده‌ام هرگز اموال تان و نیز شرف و پادشاهی را طلب نمی‌کنم، بلکه خداوند متعال من را به عنوان نبی بسوی شما گسیل داشته است و بر من کتابی نازل نموده و مرا دستور داده است و من نیز پیام‌های پروردگارم را برای تان ابلاغ نموده‌ام و برای تان خیرخواهی کرده‌ام. حال اگر آنچه را برای تان آورده‌ام قبول کنید، این خوشبختی تان در دنیا و آخرت خواهد بود و اگر رد کنید، منتظر دستور خدا خواهیم بود. تا خداوند در میان ما و شما فیصله کند. (ابن‌هشام، بی‌تا: 165)

پیامبر اسلام بدون هیچ‌گونه پرخاش، خشونت و یادگیری از راه گفتمان و بیان صریح رسالت و خواسته خود را بیان کرد که این خود دلیلی بر سیاست‌گفتمان دینی می‌باشد.

2- آزادی در انتخاب دین و

عدم اجبار مردم: سیاست دیگری که از سیره گران‌بهای آن حضرت فهمیده می‌شود، موضوع «آزادی رأی و اندیشه» و «حرمت اعتقادی» است. پیامبر اسلام هیچ‌کس را مجبور به قبول دین اسلام نکرده بلکه مبنای دعوت وی بر حریت و آزادی انتخاب بوده است. بر اثر همین سیاست ایشان بود که حرکت‌ها و اجتماع‌های نیرومند از دیگر ادیان در مدینه بوجود آمد و یهودی‌ها، مسیحی‌ها، مجوسی‌ها... در جامعه اسلامی به زندگی و معشیت پرداختند و بخش‌های وسیعی از سرزمین اسلامی را در اشغال خود قرار داده بودند. به همین علت خداوند می‌فرماید: (و لوشاء ربک لامن من فی الارض کلهم جمیعا افانت تکره الناس حتی یکونوا امومنین) و هم چنان می‌فرماید: (لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلونکم فی الدین و لم یجرؤکم من دیارکم ان تبهروهم و تقسطو الهم ان الله یحب المقستین) (رواس، بی‌تا: 165)

۳- برخورد سخت و تند با کفار محارب و مرتدین:

در واقع مبنای دعوت اسلامی بر حریت و آزادی رأی بوده و هیچ اجباری بر قبول اسلام نیست و هنگامی که مشرکین و کفار بر عهد و پیمانی که با مسلمانان بسته‌اند، پایبند باشند و دست به تجاوز و جنگ نزنند، آرامش و امنیت برایشان خواهد بود. اما چنان چه کفار و



مشرکین دست به تجاوز و نبرد علیه مسلمین بزنند در این صورت سیره نبوی به ما می آموزد که می بایست برخورد تند و سختی با آنان صورت گیرد. نمونه این واقعه را در غزوات پیامبر اسلام می توان یافت، زیرا اکثر و بیشتر نبردهای پیامبر اکرم با کفاری بوده است که علیه دین اسلام و حکومت آن جنگیده و پیابه حدود آن تجاوز کرده اند. همچنین برخورد پیامبر با مرتدین و کسانی که از دین اسلام بر می گردند بسیار سخت و کوبنده بوده است. همان گونه که امام بخاری در قضیه «عربیین» روایت می کند: «مردمانی از قبیله «عکل» نزد پیامبر اسلام آمدند و ایمان آوردند، آب و هوای مدینه با آنان سازگار نشد که در نتیجه پیامبر خدا آنان را دستور داد به شتران صدقه سر بزنند و از شیر و ادرا آن ها بنوشند، آنان نیز این کار را کردند و خوب شدند، اما از دین برگشتند و چوپان ها را کشتند و شتران را نیز زدند. پیامبر اکرم لشکر اسلام را به دنبال آنان فرستاد و آنان را نزد خود آورد و دست و پایشان را قطع کرد و چشمان شان را داغ کرد و به همین حالت گذاشت تا مردند.» از این روایات و دیگر روایات فهمیده می شود که سیاست پیامبر خدا در مقابل کسانی که مرتد می شوند و بدینوسیله دین را بازیچه خود قرار می دهند بسیار سخت و کوبنده بوده است.

4- حمایت و دفاع از اهل ذمه و

اعطای مزایا به آنان: «اهل ذمه» به آن دسته از کفاری گفته می شود که در حکومت اسلامی زندگی می کنند و با مسلمانان

زندگی مسالمت آمیز دارند. پیامبر اسلام بوسیله برخورد خویش با این دسته از کفار به مسلمانان آموخته است که بایسته است، اهل ذمه از تجاوز دشمنان بیرونی و تجاوزات داخلی مصون باشند و نیز اموالشان محفوظ باشند. ابن هشام (رح) می نویسد: «نبی اکرم در منشور مدینه فرموده اند: هرکس از یهودیها (در اجرای منشور) از ما پیروی کند برای وی نصرت و همسانی در حقوق است و نیز تصریح نموده است که در میان اهل ذمه، مسلمانان و دیگر فرق پیمان یاری علیه کسانی است که با آنان می جنگند.» (ابن هشام، بی تا: 1: 501) هم چنین پیامبر اسلام در نامه یی که به اهل نجران نوشت، تصریح نمود که تمام اموال، دین و خون آنان محفوظ خواهد بود. ایشان فرمودند: «ذمة الله و ذمة رسوله علی دماهم و اموالهم و ملتهم و بیعهم و رهبانیتهم و اساققتهم و شاهدهم و کل ماتحت ایدیهم من قلیل او کثیر» (ابویوسف، بی تا: 297)

5- تلاش در مسیر ایجاد صلح و فضای همزیستی سالم:

امروز وقتی کلمه سیاست و دیگر الفاظ مرتبط به آن شنیده می شود، بلافاصله ذهن ها بسوی فریب، نیرنگ و نبردهای کشنده احزاب و گروه ها می رود و برداشتی سلبی از این نظریه تداعی می شود اما با دقت در سیره نبوی می توان دریافت که سیاست کلی و خط مشی فراگیر وی، گستراندن صلح، آرامش و ریشه کن نمودن

جنگ و نبرد بوده است. این ویژگی را می توان در این حدیث دریافت کرد که فرمود:

«لا تمنوا لقاء العدو، فاذا لقیتموهم فاصبروا...» پیامبر اسلام از هر تلاش در راه ایجاد صلح استقبال می کرد و هرگز به دنبال ایجاد فضای جنگ و نبرد نبود. همانگونه که این مسئله در صلح حدیبیه نیز واضح می شود، آنگاه که ایشان در هنگام خروج بسوی مکه لباس های احرام را به تن می کردند تا دلیلی باشد بر اینکه وی بدنبال جنگ و درگیری نیست، بلکه می خواهد صلح، آشتی و همزیستی را بوجود بیاورد.

6- تعیین وزیر، سفیر و امیر برای ایجاد روابط با جهان:

پیامبر اسلام در زمان مبعوث شد که عرب ها چیزی از شیوه های مدرن حکومتداری و ایجاد ارتباط با دولت های جهان نمی دانستند و برای آن برنامه خاصی نداشتند. اما نبی اکرم برای بیان گونه های مفید سیاست دینی و ایجاد ارتباط با دولت های آن زمان، وزراء، سفرا و امرایی برای خویش تعیین نموده بودند. حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر فاروق به عنوان وزرای ایشان معروف و مشهور بودند. همانگونه که امام ترمذی روایت می کند که رسول اکرم فرمودند: «ما من نبی إلا وله وزیران من اهل السماء و وزیران من اهل الارض، فأما وزیرای من



السماء فجزبرئیل و میکائیل و أما وزیرای من اهل الارض فأبوبکر و عمر» (ترمذی، بی تا: باب مناقب) همچنین حضرت علی (رض) نیز وزیر ایشان بودند و با ایشان مشوره می کردند و بعضی از امور را به وی می سپردند. دکتر محمد رواس می نویسد: «شکی نیست که توجه پیامبر اسلام به تعیین امیران نمونه‌یی از مدیریت و تمدنی است که پیامبر اسلام ﷺ در دولت اسلامی آن را برپا کرد و پدیده‌یی جدید در جهان مدیریت و سیاست اسلامی بود.» (رواس، بی تا: 247)

ایشان افرادی مانند حضرت عدی بن حاتم، مالک بن نویره و علاء حضرمی را به عنوان امیر بر صدقات به مناطق طی، بنی حنظله و بحرین تعیین نمود. در بخش دیگر از سیاست سنجیده پیامبر اسلام ﷺ بحث ارسال سفیران و نایبان را مشاهده می کنیم. پیامبر اسلام سفیران خود را برای این که به مردم، اسلام، قرآن و مسائل دینی را آموزش دهند به شهرها و ممالک می فرستاد که این نیز نوع جدیدی از سیاست بود که پیامبر اسلام به آن عمل نمود. ایشان به همین منظور حضرت مصعب عمیر را به مدینه فرستاد تا علاوه از اهداف ذکر شده، برنامه های سیاسی زیادی را نیز اجرا کند که می توان به احوال گیری از اهل مدینه، خبرگیری از حالات یهود مدینه و... اشاره کرد. این سفر وی زمینه سازی برپایی حکومت اسلامی در مدینه بود.

۷- پایه گذاری نظام اقتصادی اسلامی بوسیله کنترل بازارها:

هنگامی که نبی اکرم ﷺ به مدینه هجرت نمود، تمام پایه های اقتصاد، دادوستدها و

درآمد را در سیطره یهود بود. بازار بنی قینقاع که در قلب مدینه قرار داشت محل مراوده اهل مدینه بود و نزد آنان مورد اعتماد بود. به همین علت اولین و سریع ترین تصمیمی که پیامبر اسلام به آن اقدام کرد برپایی بازار اسلامی بر مبنای آموزه های دینی بود. پس از این که این بازار پایه گذاری شد، رسول خدا ﷺ بیان نمود که بر این بازار خراج نیست. همانگونه که امام ابن ماجه روایت می کند: «أن رسول الله نظر إلى سوق البيط فنظر إليه فقال ليس هذا لكم بسوق ثم ذهب إلى سوق فنظر إليه فقال ليس هذا لكم بسوق ثم رجع إلى هذا السوق فطاف فيه ثم قال هذا سوقكم، فلا ينتقصن ولا يضربن عليه بخراج.» (ابن ماجه، بی تا: کتاب التجاره) در ادامه، پیامبر اسلام این بازار را با تحریم بیع های جاهلیت، تحریم فریب کاری، نیرنگ در معاملات، ایجاد عفو و بخشش در معاملات و تعیین کیل ها و وزن ها رونق داد، و بدینوسیله سیاست مدنی فراگیری را جهت ارتقاء و رشد اقتصاد اسلامی بکار گرفت. (رواس، بی تا: 278)

8- اقامه حدود و تعزیرات اسلامی جهت برپایی فضای امن و آرامش:

سیاست ورزیده دیگر که رسول خدابه آن روی آورد، سیاست اقامه حدود و زجرهای شرعی علیه کسانی بود که اقدام به کارهای ناشایست و خلاف عفت می کنند. این راه کار بهترین ابزار برای حفظ سلامت و پاکی جامعه اسلامی بود و باعث

می شد که مال، جان، آبرو و ناموس مسلمانان مصون و محفوظ بمانند؛ چرا که حدود الهی تضمین کننده سلامت و عفت جامعه است. خداوند می فرماید «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب لعلکم تتقون» امام ابن قیام می فرماید: «اگر قصاص وجود نمی داشت جهان فاسد می شد و مردم بعضی بعض دیگر را ریشه کن می کردند؛ از این رو قصاص باعث از بین بردن مفسده جرأت علیه خون ها می شود.» (ابن قیام، بی تا: 2|10)

۹- توجه ویژه به آموزش و پرورش و محو بیسوادی:

در زمینه امور اجتماعی و آموزشی، سیاست وزینی که پیامبر اسلام به آن عمل نمود بحث گسترش تعلیم و تعلم و ارزش دهی به مسئله سواد آموزی بود؛ بگونه که ایشان در مسجدالنبی حلقه های تعلیم و آموزش برپا می کردند و صحابه کرام امور دینی و هر آنچه که به زندگی آنان ارتباط داشت را می آموختند و نیز سوال های را مطرح کرده و مسابقات علمی منعقد می کردند.

امام بخاری روایت می کند. حضرت عبدالله ابن عمر می فرماید رسول اکرم فرمود: «از میان درخت ها درختی است که برگ هایش نمی ریزد. شبیه شخص مسلمان است، آن چه درختی است؟» صحابه فرمودند: ای رسول خدا! شما بر ما خبر بدهید. نبی اکرم فرمودند: «درخت خرما است» حضرت ابن عمر می فرماید:



رسول اکرم فرمود: «از میان درخت‌ها درختی است که برگ‌هایش نمی‌ریزد، شبیه شخص مسلمان است، آن چه درختی است؟» صحابه فرمودند: ای رسول خدا! شما بر ما خبر بدهید، نبی اکرم فرمودند: «درخت خرما است» حضرت ابن عمر می‌فرماید: من به پدر بزرگوارم گفتم در دلم این جواب آمده بود، ایشان فرمود اگر می‌گفتی، برایم از اینقدر و اینقدر مال بهتر بود. (بخاری، بی‌تا؛ کتاب العلم) همچنین ایشان در غزوه بدر، فدیة اسیران را تعلیم ده‌تن از فرزندان مسلمانان قرارداد. بدین وسیله پیامبر اسلام سیاست تعلیمی را نیز به امت آموختند. (تدوی، بی‌تا: 314)

۱۰- حل و فصل امور برمبنای شورا و مشاوره همگانی: مشوره و شورا جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های نظامی و مدنی نبی اکرم داشت. ایشان بنا بر این دستور خداوند «و شاورهم فی الأمر» همواره با صحابه مشاوره می‌کردند و از آراء آنان بهره می‌برد. از همین جهت حضرت ابوهیریره می‌فرماید: «هیچ‌کس را ندیدم که با اصحاب و یاران خویش بیشتر از رسول الله مشوره کند.» رسول اکرم در جنگ خندق مشوره حضرت سلمان را مبنی بر حفر خندق پذیرفت و نیز در جنگ بدر خطاب به مسلمانان فرمود:

«اشيروا علی ابها الناس»، و همچنین مشوره حضرت سعد ابن معاذ مبنی بر آماده ساختن مرکزی برای فرماندهی که پیامبر اکرم در آن باشد قبول کرد. دکتر مصطفی سباعی می‌نویسد: «در اینکه پیامبر اسلام مشوره حضرت حباب بن منذر را در جنگ مبنی

بر نقل مکان از محلی که انتخاب کرده‌اند قبول کرد و نیز اینکه مشوره صحابه را در روز خیبر پذیرفت، دلایلی است که غرور دیکتاتورهای امروزی را خرد می‌کند، آنانی که بدون خواست ملت‌ها برگزیده آنان سوار شده‌اند و خود را دانی کامل گمان می‌کنند و اراده و خواست ملت‌ها را حقیر دانسته و خود را از مشوره با عقلا، حکیمان و متفکرین بالاتر می‌دانند.» (سباعی، بی‌تا: 69)

۱۱- استخبار و اطلاع‌گیری از احوال دشمن و رصد آنان: از سیاست‌های زیرکانه پیامبر اسلام در جنگ‌ها بحث تعیین شخص نفوذی و جاسوس بود به گونه‌ای که قبل از جنگ تمام اطلاعات دشمن، محل اتراق، اندازه سلاح و توان آن‌ها و تعداد و ابزار آنان را برای خویش واضح می‌کرد و سپس برحسب آن، برنامه‌ریزی و نقشه جنگ را طراحی می‌کرد. دکتر محمد سعید رمضان بوطی می‌نویسد: «برای امام جایز است که در میدان جهاد و دیگر جاها از افراد نفوذی و مراقتبین استفاده کند؛ به گونه‌ای که آنان را در میان دشمنان بفرستد تا این‌که مسلمانان از نقشه‌ها و تحرکات آنان باخبر شوند و نسبت به تعداد و سازوبرگ نظامی آنان مطلع باشند.» از نمونه‌های این سیاست آن است که رسول خدا ﷺ قبل از جنگ بدر، حضرت علی، حضرت زبیر بن عوام و حضرت سعد ابن ابی وقاص را با گروهی از صحابه به نزدیکی‌های آب‌های بدر فرستاد تا اخبار و اتفاقات را

به آن حضرت برسانند. همچنین بعد از حضرت حباب ابن منذر را فرستاد تا اخبار لشکر مشرکین را به دست بیاورد و به آن حضرت ابلاغ نماید.

۱۲- تقویت و پویاسازی معنویات و روحیه دینی: سیاست دینی دیگر که پیامبر اکرم ﷺ بدان پرداخت، بحث تقویت معنویات و اعتقادات در نفوس سربازان اسلام بود.

ایشان همواره مسلمانان را در زمینه جهاد و شهادت طلبی ترغیب و تشویق نموده و به آنان جراً و پاداشی را که در انتظارشان است و مدد خداوند و ملائکه را گوش زد می‌کرد. آنچه از نظر گذشت بخشی از آموزه‌های سیره نبوی در زمینه سیاست مورد قبول اسلام بود.

منابع

1. قرآن کریم؛
2. صحیح بخاری، محمد ابن اسماعیل بخاری، مکتبه الشاملة؛
3. صحیح مسلم، مسلم ابن حجاج نیشابوری، مکتبه الشاملة؛
4. سنن ترمذی، ابو عیسی ترمذی، المکتبه الشاملة؛
5. سنن ابن ماجه، محمد ابن یزید، ابن ماجه، المکتبه الشاملة؛
6. عقاد، عباس محمود، عبقریه محمد، المکتبه العصریه، بیروت، لبنان؛
7. بوطی، محمد سعید بن رمضان، فقه السیره النبویه، دار الفکر، دمشق، بیروت؛
8. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، دار المعرفه، بیروت، لبنان؛
9. رواس، محمد عطیه، النبی محمد و قیاده العالم، مکتبه بحر العلوم، قاهره، مصر؛
10. الجوزیه، ابن القیم، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، موسسه الریان، بیروت لبنان؛
11. منصور شمس، محمد رشاد، تعریف عام بشخصیه الرسول، دار محمد الامین، بیروت، لبنان؛
12. سباعی، مصطفی، السیره النبویه دروس و عبر، دار لوزاق، مصر؛
13. تدوی، سید ابوالحسن، السیره النبویه، دار ابن کثیر، دمشق؛
14. غزالی، محمد، فقه السیره، دار القلم، دمشق، سوریه.



سمیع اللہ

بخش اول

قبل از آن که از تمدن اسلامی به تفصیل سخن بگوئیم، بهتر آن است که مفهوم تمدن را از زبان متخصصان و صاحب نظران علوم اجتماعی و جامعه شناسی بشنویم، آنها در تعریف تمدن می گویند که تمدن محصول دستاورد انسان مدنی و اجتماعی است با ویژگی‌ها و خصوصیات فکری، روحی، درونی و رفتاری، برای پیشرفت خود می‌پسندند و به آن نیاز دارند. از این تعریف دو مطلب برداشت می‌شود:

1. تمدن همان راه و روش زندگی است که مردم و جامعه برای پیشبرد اهداف خود در تمام زمینه‌های روحی، سیاسی، اجتماعی، عمرانی و مادی، برای خود بر می‌گزینند و ارزش‌ها و اصول قوانین خاصی نشأت می‌گیرد؛

2. تمدن دو جنبه دارد: جنبه اول، مظاهر پیشرفت مادی است که شامل تمام جوانب زندگی، صنعت و تجارت، زراعت، اختراع و اکتشاف و فنون و کارهای مختلف دیگر می‌شود. جنبه دوم، مظاهر پیشرفت معنوی است که با ارزش‌های روحی و اصول

اخلاقی دستاوردهای فکری و نوآوری‌های ادبی و... ارتباط دارد. براساس این تعریف، نتیجه‌گیری می‌شود که از نظر محققان و صاحب نظران تمدن تا زمانی که پیشرفت مادی و معنوی را به صورت یکسان همراه نداشته باشد، دارای ارزش انسانی نمی‌شود؛ چون تمدن تنها با پیشرفت علمی و صنعتی و افزایش وسایل و امکانات زندگی و رفاه و وفور نعمت، سنجیده نمی‌شود، مگر در حدی که این امور به منظور مقاصد صحیح انسانی و اصول برجسته اخلاقی باشد. امروزه بسیاری از جوانان ما - جوانانی که از خون و رگ و گوشت ما هستند و به زبان ما سخن می‌گویند - با فرهنگ و تمدن اسلامی آشنائی چندانی ندارند و می‌پندارند که غرب فرهنگ و تمدن را ابداع کرده و در جهان معاصر عرضه نموده است، در طول تاریخ و در خلال دوره‌ها داغ عصر گوناگون تنها غرب صاحب تمدن، استاد و معلم و مدعی آن بوده است. اما این پندار نه براساس آگاهی و درک است و نه برحقایق و واقعیت‌های

تاریخی تکیه دارد. شما خواننده گرامی در این مقاله با حقایقی آشنائی پیدا می‌کنید در مورد تمدن در اسلام، شناخت سرمایه‌ها و پشتوانه‌های آن، دستاوردها و جوانب مختلف این تمدن، تأثیرات عمیقی که بر غرب داشته و شیوه‌های انسانی برخورد آن با سایر امم و مردم غیر مسلمان. آئین اسلام در ذات خود، دین علم و تمدن است. این امر از خلال آیاتی که نخستین بار بر قلب رسول خدائازل شد، به خوبی نمودار است که دستور به خواندن بود و خواندن، خود نخستین مرحله علم و تمدن است.

اروپای قرون وسطی در خوابی عمیق فرو رفته بود. جهل و نادانی در تمام گوشه و کنار آن خیمه زده بود و جز مطالب و آموخته‌های اندک چیزی از فلسفه، طب، ریاضیات، کیمیا، نجوم و... نمی‌دانستند. آنگاه که صدای علما و فلاسفه مادر مدارس اشبیلیه، قرطبه و غرناطه طنین انداز شد، اروپا از خواب بیدار شد، به خود آمد و به جانب صدا روی آورد تا حقایق علم و معرفت و اصول پیشرفت و ترقی و تمدن را از استادان



مسلمان بشنوند. برای درک بیشتر و آشنائی با عظمت تمدن و فرهنگ و اندیشه هائی که اجداد نوابغ مادر عرصه های مختلف طب، فلسفه، نجوم، فیزیک و شیمی و دیگر علوم از خود بر جای نهاده اند و تأثیرات به سزایی که بر اروپای جدید نهاده است، به ذکر نمونه هایی در این مورد می پردازیم:

فلسفه:

ما در فلسفه، با اسامی درخشان و دستاوردهای فکری بسیار روبهرو هستیم، شخصیت های مانند: ابن رشد اندلسی متوفی 595 ه.ق. که از بزرگترین فلاسفه اندلس بوده تأثیرات بسیاری بر غرب نهاده است؛ ابن طفیل صاحب داستان حی بن یقظان که در سال 1617م به لاتنی ترجمه شد؛ ابوعلی سینا فیلسوف و طبیبی است که آوازه اش در قرون وسطی در شرق و غرب پیچیده بود.

تاریخ:

از جمله امور مسلمی که جامعه شناسان به آن اذعان دارند، این است که نخستین بار مسلمانان بودند که تاریخ را به عنوان علم مستقل با اصول و ضوابط خاص خود، مطرح کردند. ابن خلدون از مشهورترین کسانی است که در علم تاریخ تحقیق و تألیف نموده و در این علم از خود نوآوری و ابداعات بسیار نشان داده است. مقدمه معروف او، بارها به زبان های مختلف ترجمه شده است. از دیگر تاریخ نگاران معروف می توان به ابن حیان القرطبی، رازی، ابن

حیان القرطبی، رازی، ابن خطیب، ابن اثیر و طبری اشاره کرد. ابن حیان آنگونه که الوافی می گوید از بزرگترین علمای تاریخ بوده است، البته نه در تألیف کتب تاریخی، بلکه در ارائه راه و روش نقد و تحلیل تاریخ، که سبک خاصی را ارائه داده است. او برای حوادث و رویدادها، گاه تاریخ هجری و تاریخ میلادی مقابل آن را با تعیین ساعت و وقوع حادثه نقل می کند. این شیوه در آن زمان رایج نبود. همچنین او در تحلیل حوادث و شخصیت ها بسیار دقیق بوده و تمام امور - چه به نفع و یا به ضرر آن ها باشد - ذکر کرده و علل و عوامل نزدیک و دور وقوع حوادث را نیز بررسی کرده است. تاریخ نویسان مسلمان در تدوین تاریخ دوشیوه داشته اند:

1. تاریخ سالیانه؛ یعنی ذکر حوادث مختلف بر اساس سال بود؛
2. تاریخ پیوسته؛ در این روش، مورخ با حادثه ای آغاز می کرد و به شرح و بسط آن از اول تا آخر می پرداخت یا تاریخ حکومت یا دوره ای را به صورت مستقل می نوشت و همه تاریخ و رویدادهای آن را منسجم و پیوسته می آورد،

جغرافیه:

تلاش مسلمین در عرصه جغرافیا بر کسی پوشیده نیست. مسلمانان از نخستین کسانی بودند که سرزمین ها و دریاها را درنوردیدند و راه را برای دیگران در سفر های اکتشافی هموار کردند. از جمله این جغرافیه دانان که سفرهای داشتند می

توان به رازی، ابوعبیدالبکری، العذری، الادریسی، ابن جبیر و ابن بطوطه اشاره داشت. کتاب «نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق» که حاوی چهل نقشه است - و یکی از نقشه های آن، نقشه کل جهان است - به لاتینی ترجمه شده و بیش از سه قرن مورد استفاده و استناد اروپائیان بوده است.

ادریسی کسی است که کره یی بزرگ از نقره ساخت که مدالی از کره زمین بود و هنوز در موزیم برلین نگهداری می شود. اندیشه کروی بودن زمین، نخستین بار در میان مسلمین مطرح شد. در توضیح پدیده جزر و مد و علل آن نیز مسلمین پیش قدم بودند. المقدسی در کتاب «کتاب گرانسنگ خود» احسن التفاسیم فی معرفه الاقالیم» نقشه هایی رسم کرده بود که سرزمین های مختلف و حدود و مرزهای هر کدام را به خوبی نشان می داد و این نقشه ها را رنگ آمیزی هم کرده بود که با نقشه های امروزی بسیار مشابهت و هماهنگی داشته است. مسلمانان علاوه بر اینکه کروی بودن زمین را کشف کردند، توانستند ابعاد و محیط آن را هم در زمان مامون، خلیفه عباسی، محاسبه کنند. کاری که هیچ کس پیش از آنها موفق به انجامش نشده بود. آن ها یکی از جزایر بالیار را به عنوان مبدأ طول انتخاب کردند. ادامه دارد...



واعدوا لهم ما استطعتم من قوة

مناسبت؛ بعد از آنکه خداوند متعال پیامبر خود را امر نمود تا پیمان شکنان را تارومار کند و پیمان کسانی را که بپیمان شکنی آن‌ها می‌رفت، فسخ کند. در اینجا پیامبر خود را امر فرمود تا جهت انجام این کار آمادگی بگیرد. چنین آمادگی بعد از پیمان شکنی و به وجود آمدن حالت جنگ، کار کاملاً طبیعی است.

تفسیر:

ملت‌های مختلف در گذشته و حال پیوسته به آماده ساختن لشکرهای جنگی جهت دفاع از وجود، عزت، کرامت، حمایت حد و مرزها، حفظ عظمت و پیشرفت خود، اهمیت خاص قائل بودند. از این رو خدای متعال مومنان خود را امر کرد تا همیشه خود را جهت رویایی با دشمنان با نیروی جنگی آماده سازند. پیامبر خداوند در تفسیر کلمه قوت سه بار فرمود: «آگاه باشید که منظور از قوت تیراندازی است.» در حال حاضر منظور

محمد شایق (محمدي)

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ) وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) ترجمه برای (مبارزه با) آنان تا جایی که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه ستمی به شما نمی‌شود.

معانی کلمات

تُرْهَبُونَ: می‌ترسانید.
رباط الخیل: اسبان آماده به جهاد.
أعدوا: آماده سازید.

اتخاذ هر چیزی است که موجب تقویت توان نظامی است. این آماده‌سازی آنگونه که آیه اشاره می‌کند به هدف ترسانیدن دشمن و بازداشتن از اندیشه تجاوز بر امت اسلامی و مقدسات آن صورت می‌گیرد. بر اردوی مسلمانان واجب است که همیشه آماده و مجهز باشند و برای تدارک نیرو و تجهیزات نظامی به دورترین نقاط مملکت بکوشند و از مرزهای اسلام پاسداری کنند تا نیروی هدایتگر اسلام بر تمام نیروها برتری یابد و در مقابل نیروهای باطل بگونه‌ی شدت عمل به خرج دهند که دشمن در دورترین نقاط زمین جرأت نکند به سرزمین اسلام تاخت و تاز کند یا فکر هجوم به سرش بزند و کاملاً تسلیم سلطه و قدرت پروردگار گردد و از کسانی که در سرزمین آن‌ها مردم را به اسلام فرا می‌خوانند، نتوانند جلوگیری کنند و مانع مسلمان شدن شهروندان خود نشوند و ادعای حاکمیت و به بندگی کشاندن مردم را نداشته باشند تا دین خالصانه از آن خداوند یکتا گردد. بن شهاب زهری می‌گوید: «ذکر قوت در این آیه بخاطر آن است که مسلمانان در جنگ بدر آمادگی کامل نداشتند و این هشدار برای آن است که همیشه پیروزی بدون آمادگی نصیب‌تان نمی‌گردد.» البته، آمادگی و آماده‌سازی جنگی تا اندازه‌ی بی‌کی در توان است، کار



واجبی است و با جهاد همراه. نص قرآن فرمان می دهد که همه اسباب نیرومندی را به هر شکل و صورت که باشد و هر نوع و در هر قسمتی که هست باید تهیه و آماده ساخت.

وظیفه نیروی اسلام:

اسلام باید نیرویی داشته باشد که در پرتو قرآن در زمین برای آزادی مسلمانان حرکت کند. این نیرو دارای وظایفی مشخص است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

یکم. کسانی را در امن و امان نگهدارد که آزادانه این عقیده را می پذیرند تا دیگر کسی نتواند ایشان را از پذیرفتن آزادانه این عقیده باز دارد و پس از پذیرش هم کسی نتواند آنها را از آن برگرداند؛

دوم. دشمنان این دین را چنان به حراس اندازد که اندیشه تعدی و تجاوز به سرزمین اسلامی را به مغز خود راه ندهند؛

سوم. به گونه ای این دشمنان را بترسانند و هراسناک گردانند که به هیچ وجه نیندیشند که جا و امواج خروشان آئین اسلام را بگیرند و نگذارند اسلام برای آزادی انسان بطور کلی در سراسر زمین حرکت کند.

توصیه های تربیتی:

یکم. امت اسلامی باید در هر زمان، برای مقابله و نبرد با دشمنان آمادگی داشته باشند و از وسایل و تجهیزات نظامی پیشرفته روز بهره ببرند و خود را با پیشرفته ترین آن ها مجهز کند تا بتواند با

خیال آسوده و بدون ترس از تعرض دشمنان به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دهد؛

دوم. جنگ از نظر اسلام وسیله ای برای تجاوزگری و دشمنی نیست، بلکه وسیله ای برای حمایت از دین و پاسداری از وطن است.

منظور از نیرو، تجهیزات و آمادگی نظامی، هر چیز مادی یا معنوی است که دشمن را به حراس اندازد.

صلح بدون تجهیزات:

در گذشته اسب از وسایل مهم جنگی زمینی به شمار می رفت و هنوز هم در برخی شرایط جنگی اهمیت گذشته خود را دارا می باشد، مثلاً برای حمل سلاح در کوه ها؛ ولی نظر به اینکه امروزه در میدان جنگ حرف اول را نیروهای هوایی، توپ خانه ای، نیروی زرهی و زبردیایی می زنند، اتخاذ آمادگی در این عرصه ها جای آمادگی سازی اسبان را می گیرد؛ چون مهم به دست آوردن اهداف مورد نظر است. پس لازم است این آمادگی مطابق عصر و زمان خود باشد.

صلح در هیچ عصر و زمانی بدون داشتن تجهیزات جنگی مناسب آن زمان تحقق نمی یابد؛ چون به لحاظ عادت و از دیدگاه عقلی و تجربیات مشاهده شده در این جهان مملو از دموکراسی خواهی و آزادی طلبی ضعیف تر همیشه لقمه چرب برای قوی ترها است.

گاهی قدرت طلبی و سلطه جویی چنان به کام قوی ترها شیرینی می کند که حمله، اشغال و استعمار ملت های ضعیف تر برای آن ها به پدیده ای اخلاقی تبدیل می گردد. آدولف هیتلر در کتاب نبرد من می نویسد: «هنگامی که قلمرو رایش همه آلمانی ها را دربر بگیرد و دریابد که قادر به تامین معاش مردم نیست، تنها آن هنگام است که از نیاز مردم به بهره گیری از سرزمین بیگانه، حق اخلاقی به تصرف سرزمین های دیگر پیش می آید.»

تنها چیزی که می تواند مانع چنین سیاستی گردد و ملتی را از جنگ و استعمار نجات دهد، داشتن نیروی جنگی مجهز است تا به متجاوز بفهماند که برهم زدن آرامش و امنیت آن ها تاوان گزافی در پی خواهد داشت. نیرو و تجهیزات جنگی، اینگونه ضامن صلح و آرامش کشورهاست.

اقتباس:

1. صفوة التفاسیر؛
2. تفسیر المنیر؛
3. تفسیر تربیتی؛
4. فی ضلال القرآن؛
5. نبرد من.



سیره نظامی محمد مصدق

عبدالاحد (مدبر)

در اسلام مسلمانان به قصد کشورگشایی و تجاوز به حقوق غیر مسلمانان نمی‌جنگند؛ بلکه مبارزه برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی و دفاع از آزادی اندیشه و اعتقادی است که مورد تعرض قرار گرفته است. با این وجود مبارزان از هر راهی برای غلبه بر دشمن اهریمنی می‌جنگد و اصول ارزش‌های انسانی را محترم و میدان جنگ را صحنه دفاع از حقانیت آیین خویش دانسته و با برخورد انسانی با اسیران، کمک به مجروحان و بیماران دشمن، رفتار نیکو با غیر نظامیان به معرفی شخصیت دینی خود می‌پردازند. چه بسیار افرادی که با تأمل در این برخوردها به حقانیت آیین اسلام ایمان آورده‌اند. دستور جهاد در سال دوم هجری، پس از سال‌ها اعمال فشار و شکنجه از سوی مشرکان مکه بر مسلمانان، از سوی خداوند صادر شد. به طور کلی شیوه‌های جنگی پیامبر را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱: ویژگی‌های فرماندهی:
پیامبر (ص) همه ویژگی‌های فرمانده کامل را دارا بود. عقلانیت، شجاعت، قدرت، درایت، به کارگیری اصول نظامی و از خود گذشتگی منحصر به فردش، توانست افرادی را که پراکنده و دشمن یکدیگر بودند، نظم و

پیوستگی بخشد و با شناخت عمیق از توانایی‌هایشان و گماردن به مناصبی که کارآیی بالایی برای انجام آن داشتند، آنان را به مسئولیت پذیری و اطاعتی آگاهانه واداشت آن چنان که با وجود تنگدستی و تجهیزات اندک، بر سراسر شبه جزیره عربستان چیره شدند.

۲: جمع‌آوری اطلاعات:

از آن جا که تصمیم‌گیری صحیح جنگی بر اساس اطلاعات دقیق و کامل از دشمن امکان‌پذیر است، پیامبر (ص) با اهتمام ویژه به این بخش از راه‌هایی همچون استقرار مأموران اطلاعاتی در مناطق ورودی و خروجی سرزمین یا منطقه عملیاتی دشمن، قرار گرفتن در مسیر تجار و مسافران و بازجویی از اسیران، کسب خبر می‌کردند.

۳: تشکیل شورای جنگ:

پیامبر (ص) قبل از نبرد با افراد خبره و کار آزموده درباره شیوه و مکان جنگیدن و استفاده از جدیدترین سلاح‌ها و تاکتیک‌های جنگی مشورت می‌کرد. کندن خندق به پیشنهاد سلمان فارسی و استفاده از منجیق و دبابه در غزوه طائف از جمله این موارد است.

۴: خاقلگیری کردن:

هدف از این شیوه مقهور ساختن نیروهای مادی و معنوی دشمن و واداشتن آنان به تسلیم برای جلوگیری از

تلفات جانی کمتر بود. از این رو همواره مسیر نهایی و تدابیر اتخاذ شده را حتی از نیروهای اطلاعاتی پنهان می‌داشت و طرح‌ها را فقط با فرماندهان و معاونان آنان در میان می‌گذاشت، جز تبوک در تمامی نبردها از جمله سریه عبدالله بن جحش و فتح مکه، غزوه بنی‌لحیان و فتح خیبر این شیوه به کار گرفته شد.

۵: جنگ ضربتی: یورش ناگهانی در زمان و مکان مناسب که ساز و برگ و خسارات انسانی و مادی کمتری در پی داشت و برتری کمی نیروهای دشمن را جبران می‌کرد. در جنگ حنین، نیروهای اسلام ۱۲ هزار نفر و ثقیف و هوازن ۲۰ هزار تن بودند.

۶: ایجاد روحیه در مواقع بحرانی: هنگام کندن خندق غزای رویارویی با احزاب، پیامبر (ص) با دادن نوید فتح ایران و روم مسلمانان مضطرب را به تلاش و حفظ آرامش دعوت کردند.

۷: جنگ روانی:

از مهمترین روش‌های جنگی پیامبر (ص) بود. در فتح مکه در ده هزار نقطه آتش برافروختند تا با ایجاد رعب و وحشت مشرکان را ناچار به فراریات تسلیم کنند.

۸: جنگ بازدارنده:

نوعی دفاع در برابر خطر احتمالی دشمن قبل از آمادگی کامل او برای حمله به مسلمانان بود که با پیشی گرفتن، آنان را در سرزمین خود گرفتار می‌کردند که با سرعت و تحرک و استتار همراه بود. در جنگ بنی‌مصطلق هنگامی که دشمن مشغول آب دادن به حیوانات خود بودند، مورد حمله مسلمانان قرار گرفتند.



هدف نبودن جنگ در سیره نبوی:

۱: مدارا و گفتگو اساس دعوت: اساس رسالت پیامبر(ص) بر گذشت و مدارا بود و تا جایی که اعتقادات و حدود الهی محفوظ بماند، با مشرکان و اهل کتاب به عطف و رأفت رفتار می‌کرد و از حقوق شخصی خویش چشم‌پوشی می‌کرد. شیوه‌هایی همچون؛ ارسال مبلغین مذهبی، مذاکره و گفتگو، نوشتن نامه به سران کشورها، فدیة گرفتن برای آزادی اسرای کفار به جای کشتن آنان، انعقاد پیمان صلح و دوستی با قبایل (مشرکان و اهل کتاب) اختصاص سهمی از غنایم به نومسلمانان، آزادی بدون فدیة اسیرانی که سهم پیامبر(ص) و بنی عبدالمطلب بود. (غزوه طائف).

۲: هدایت و ارشاد قبل از جنگیدن:

پیامبر(ص) زمانی که ناچار به جنگ بود، سپاهیان را به سه چیز سفارش اکید می‌فرمود:

الف: دشمن را به اسلام فراخوانند، اگر پذیرفتند، اسلام آنان را بپذیرند.

ب: اگر نپذیرفتند آنان را به زیستن در پناه مسلمانان و پرداخت جزیه فراخوانند.

ج: اگر بر جنگ اصرار داشتند با توکل به خدا، بجنگند و متعرض غیر نظامیان نشوند، درختی را قطع نکنند و خانه‌ای و زراعتی را ویران نکنند. از چهارپایان حلال گوشت به آن مقدار که نیاز دارند، اکتفا کنند:

۲: نمایاندن حقانیت دین اسلام:

آن هنگام که دشمن سرسخت و مغرور، با اصرار تمام نیروی خود را تجهیز می‌کرد و بر مسلمانان تاخت، پیامبر(ص) در اندیشه آن بود که چگونه دریچه‌ای از مهر و عطف و پروردگارش را بر دل‌های پرکینه آنان بگشاید و شقاوت هاوتیرگی‌های وجودشان را به نور ایمان بزداید و آنان را با حقایق دین اسلام آشنا سازد.

رسالت پیامبر(ص) و خلق بی‌مانندش ایجاب می‌کرد، حتی از لحظه‌های جنگ نیز برای ترویج ارزش‌های انسانی، نفی عبودیت غیر خدا و زدودن جهل و خرافات از اذهان مردم بهره‌جوید و با رفتاری بزرگوارانه و پرعطف و مغزها، دل‌ها را شایسته خود می‌ساخت.

هدف پیامبر(ص) از جنگ:

۱: غلبه بر نظام قبیله‌ای: فقدان حکومت مرکزی و ساخت قدرت بر پایه نظام قبیله‌ای از یک سو و پیوند و تأثیر عمیق رسوم و عقاید جاهلی بر اذهان و کردار مردم از دیگر سو، پیامبر(ص) را ناگزیر به جنگ با سران کفر، می‌کرد؛ زیرا تا اینان به عظمت و حقانیت اسلام اعتراف نمی‌کردند، افراد زیر سلطه آنان جرأت ایمان آوردن نداشتند. رسالت پیامبر(ص) و خلق بی‌مانندش ایجاب می‌کرد، حتی از لحظه‌های جنگ نیز برای ترویج ارزش‌های انسانی، نفی عبودیت غیر خدا و زدودن جهل و خرافات از اذهان مردم بهره‌جوید و با رفتاری بزرگوارانه و پرعطف و مغزها، دل‌ها را شایسته خود می‌ساخت.

۲: برقراری عدالت اجتماعی: خداوند (ج) برقرار عدالت اجتماعی را والاترین هدف پیامبران و مهم‌ترین ویژگی جامعه انسانی می‌داند؛ زیرا جامعه بس‌تر تحولات فکری و روحی بوده و تکامل معنوی افراد در جامعه محقق می‌شود. از این رو بخش عمده‌ای از برخوردهای قاطعانه پیامبر(ص) برای تحقق عدالت در تمام زمینه‌ها بوده است. لغو قوانین ظالمانه جاهلیت، اجرای حدود الهی، راه اندازی غزوات برای ایجاد تعاون و تعادل در روابط اجتماعی و تعدیل کشش‌های درونی انسان‌ها و هدایت آن به سوی تحقق ارزش‌های الهی در جامعه بود.

۳: حفظ موجودیت جامعه مسلمانان: گسترده‌ترین اهداف اجتماعی اسلام و پیوند آن با حیات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و نظامی حاکمی از ضرورت وجود حکومت و دولت است.

از این رو با به بن بست رسیدن تلاش‌های پیامبر(ص) برای تشکیل امت واحد در مکه، به فکر تحقق آن در مدینه افتاد و بخش وسیعی از تلاش‌های پیامبر(ص) برای حفظ شهر مدینه و استمرار همبستگی عقیدتی میان مسلمانان شد. از این رو در ابتدای تأسیس نظام اسلامی، قوی‌ترین پیوندهای قومی و دینی و سیاسی را میان ساکنین مدینه برقرار ساخت.



مصاحبه اختصاصی با مولوی

نشیر احمد (عثمانی) رئیس ارکان ستردرستیز



مجاهدین بعد از آموزش های پلان شده از مراکز تعلیمی در مرکز و ولایت فارغ شده اند. کار برای بهبود وضعیت عمومی اردو جریان دارد و برای انکشاف اردو پلان های منظم در حال عملی شدن است. ما در پی آن هستیم تا اردوی آینده افغانستان را طوری مسلح و تجهیز نماییم و آموزش بدهیم که در کنار اجرای مسئولیت های دینی خویش در تامین امنیت منطقه سهم فعال و ارزنده داشته و به جهانیان ثابت نمایند که افغانستان توانایی اشتراک در تامین امنیت منطقه را دارد.

با توجه به شرایط موجود در کشور، ارزیابی رئیس صاحب ارکان ستردرستیز در خصوص فعالیت های انجام شده در قوماندانی های ساحوی و مرکزی چگونه است؟ خداوند منان را شکرگزاریم که با پیروزی امارت اسلامی افغانستان، تمام نهادهای قبلی در سکتور دفاعی حفظ شده و مجاهدین امارت اسلامی اداره کیفی و کمی ادارات مربوطه را در کنترل خود دارند.

مواظبت رهبری امارت اسلامی افغانستان، این خواست ما تحقق یافته است. من منحیث هماهنگ کننده و تنظیم کننده تمام فعالیت های نیروی های دفاعی کشور، زمینة تطبیق اوامر و هدایات مقام وزارت دفاع ملی و ستردرستیز را در قوماندانی های ساحوی، مرکزی و حمایوی اردو فراهم و مساعد می نمایم. برنامه و پلان های شما برای بهبود و انکشاف اردوی اسلامی چیست؟

تصمیمات روشنی در این مورد دارید؟ این یک حقیقت مسلم است که هر کشور برای دفاع و تامین امنیت جغرافیای سیاسی و طبیعی خویش نیاز به نیروی های مسلح مجرب، آموزش دیده و مجهز با امکانات و قابلیت ها دارد. با در نظر داشت این اصل، اردوی امارت اسلامی افغانستان که صفوف آن را فرزندان صدیق مردم افغانستان تشکیل میدهد، در حال فراگیری آموزش های فشرده در تمام زمینه های نظامی است که از بدو پیروزی امارت اسلامی تا اکنون چندین دوره

جناب عثمانی از ولسوالی کشم بدخشان می باشد. ایشان قبل از پیروزی امارت اسلامی هم عضو فعال امارت بودند. مولوی صاحب فردی دیندار، باتقوا و آراسته به سجایای اسلامیست. این مرد هندوکشی بعد از پیروزی امارت اسلامی، مسئولیت بزرگ ریاست ارکان ستردرستیز را در تشکیلات جدید وزارت دفاع ملی به عهده دارد. جناب مولوی صاحب از اینکه درخواست ما را برای مصاحبه پذیرفتید از شما تشکر می کنیم. قبل از هر چیز، مسئولیت و مکلفیت های وظیفه یی شما به عنوان ریاست ارکان ستردرستیز چیست؟ مسئولیت ما در برابر دین، وطن و مردم همیشه بوده است. لَّه الحمد بعد از پیروزی امارت اسلامی، رهبری وزارت دفاع ملی و ستردرستیز تلاش های همه جانبه یی را به خرج دادند تا اردوی اسلامی را با قوت و توان، به مدرن ترین سلاح، تجهیزات و وسایط مجهز نمایند تا برای دفاع از ارزش های اسلامی، حفاظت و تامین امنیت کشور و هموطنان متدین آماده باشیم. به نصرت الهی و



د ملی دفاع وزارت د حمایې او امنیت لود قومندان محترم

الحاج ملا محمد عیسی (یاسین) سره مرکه

دارزیایی‌های به عمل آمده گواه است که امکاناتی که مجاهدین از پیش در اختیار داشتن در کنار با امکانات و تجهیزات موجوده برای تامین نیازمندی‌های اردوی اسلامی کافی است.

با در نظر داشت این امکانات، فعالیت‌های انجام شده و در حال اجرای نیروی‌های دفاعی، منجر به دفاع مستقلانه از استقلال، تمامیت ارضی، ارزش‌های اسلامی و حریم فضایی کشور و تامین امنیت شهروندان شده است.

اردوی امارت اسلامی توانایی تامین امنیت در ساحات مسئولیت‌شان را به طور شاید و باید دارد و در صورت ضرورت آماده اعزام به سایر نقاط کشور نیز می باشد.

از زمان به قدرت رسیدن امارت اسلامی تا به حال زمره‌هایی در مورد یونیفرم اردو وجود دارد. یونیفرم اردو تغییر می‌کند؟ یا منسوبین اردو را در یونیفرم‌های قبلی می‌بینیم؟

طرح‌های مناسب و سازگار با محیط و اراضی کشور جهت توحید یونیفرم منسوبین اردوی اسلامی به رهبری امارت اسلامی و کابینه امارت اسلامی افغانستان ارایه شده است. ان شاء الله در آینده نزدیک، شاهد یک‌دست شدن و ملبس شدن منسوبین و مجاهدین اردوی اسلامی به یونیفرم واحد خواهیم بود.

بسم الله الرحمن الرحيم
د حمایې او امنیت ساتنې لودو چې د ملي دفاع وزارت او ستردرستیرامنیتي، لوژستيکي او حمایوي خدماتو ورسولو مسؤلیت لري. دغه قومانداني د اړوندو برخو سره په همغږۍ د خپلو مسوولیتونو د سرته رسولو په موخه په پوره هڅه او کوشش سره لازم اقدامات ترسره کوي. خبریال: ډېر خوشاله یو چې وخت مو راکړ او دا مهال زموږ سره مرکه لري مننه کوو:

لومړۍ سوال: که تر هر څه لومړۍ خپل ځان لوستونکو ته معرفي کړئ او کوم مسوولیتونه او په مجموع کې هغه جهادي خدمتونه چې تر فتحي وړاندي مو ترسره کړي دي لنډه یادونه وکړئ؟

جواب: زما نوم حاجي ملا محمد عیسی (یاسین) دی د کندهار ولایت د ارغستان د ولسوالۍ اصلي اوسیدونکی یم چې د اوس لپاره د حمایې او امنیت لودو قومندان په توګه چاري پر مخ وړم. د جهادي خدمتونو اړوند چې تاسو وپوښتل پیل یې د شوروي یرغل پر وړاندي له

جهاد څخه کولای شوه شورویانو پر وړاندي د جهاد په وخت کې د محترم ستر جهادي علمي او سیاسي شخصیت الحاج ملا محمد (رباني) آڅنډ سره په جبهه کې مو جهادي خدمت کې برخه اخیستې ده د شوروي یرغل تر ماتې وروسته چې کله په هیواد کې ګډوډي رامنځه شوه کورنۍ جګړې شروع شوې د جهاد اهداف پایماله شول نو ومي وغوښتل چې د فرصت څخه په استفادې باید نیمګړي درسونه بشپړ کړم نو بیا د کندهار د ارغستان ولسوالۍ په یوې محلي مدرسې کې مې د تعلیم د بشپړولو په موخه سبقان شروع کړل.

د طالبانو د تحریک د شروع څخه دوي میاشتي مخکې کله چې هیواد ګډوډیو په سر اخیستی وو هر ځای ملوک الطوائفي وه واحده او مشروع اداره نه وه ظلم، شر او فساد اوج ته رسیدلی وو نو موږ او ځینو نورو ملګرو په خپل مینځ کې مشوره سره وکړه چې د دې فساد او دیکتاتورې وضعیت پر وړاندي به اقدام او مقابله کوو چې بالاخره پیل مو د



ارغستان ولسوالۍ څخه وکړ هلته مو میشت پاتکونه له مینځه یووړل او فتحه مو کړل چې مشهوره یې د (ملا فتح) (مجید خان) او (کاک) په نامه وه دوې میاشتي وروسته د امیر المؤمنین ملا محمد عمر مجاهد (رحمه الله) په مشرۍ د طالبانو تحریک په کار پیل وکړ چې وروسته بیا په اسلامي امارت مشهور شو موږ هم دیوسل او پنځوس نفرو په تعداد مجهز ورغلو او د نوموړي له تحریک سره یو ځای شولو زموږ د جبهې مشر الحاج ملا محمد (ریاني) صیب وو چې تر دې وړاندې د شوروي اشغال پر مهال او د شر او فساد پر وړاندې د مقاومت پر مهال هم زموږ مشر پاته شوی وو. د طالبانو د اسلامي تحریک په پیل کې د مرستیال په توګه او بیا وروسته د اسلامي امارت د زړې واکمنۍ پر مهال د رئیس الوزراء په توګه وټاکل شو چې تر پایه په هغه پوست پاته وو. موږ هم هغه مهال په مختلفو برخو کې د اسلامي امارت سره په لوره او ټیټه کچه خدمتونه کړي دي. د اسلامي امارت د شاوخوا اوه کاله حاکمیت وروسته چې کله امریکایانو د ټولو نړیوالو حقوقې او بشري جوازونو پر خلاف د افغانستان پر خاوره ظالمانه تجاوز او یرغل وکړ په هیواد کې د مجاهد او طالب پر وړاندې هغه وخت امریکایي یرغلګرو او داخلي ګوداګیانو یې پر دوه آپشنونو باور درلود چې ویل به یې (طالب به یا وژل کیږي او یا به زندان ته اچول کیږي دوی د ژوند کولو حق نلري)

نو بیا په هیواد کې زموږ ژوند د ستونزو سره مخ وو چې په نتیجه کې مو ګاونډي هیواد پاکستان ته هجرت وکړ، د امریکایي یرغل پر وړاندې چې کله د اسلامي امارت د مجاهدینو لیکي له سره منظمې شولې جهاد او مقاومت شروع شو موږ هم د خپل دیني مکلفیت پر اساس د جهاد سنگرونو ته راغلو، د امریکایي اشغال پر وړاندې جهاد کې مو هم په مختلفو برخو کې فعالیتونه او خدمتونه تر سره کړي دي د ولسوالیو د مسؤولیت څخه نیولې تر ولایتي کمیسیون پورې همدا راز مو په مرکزي کمیسیون کې دنده اجرا کړې ده همداراز د هیواد د یو لړ ستراتیژیکو ولایتونو مسؤولیتونه مو تر سره کړي دي چې یادونه یې په لاندې ډول کولاشو: په لومړیو کې د کندهار ولایت د والي په توګه مو دنده تر سره کړې ده زموږ د مسؤولیت په دوره کې ښه پرمختګونه درلودل دوښمن ته درانه تلفات واوښتل مراکز یې مکرراً تر بریدونو لاندې نیول کېدل چې ښکاره مثال یې د کندهار د مرکزي محبس ماتول وو چې د برید طرحه یې په ښه او بریالۍ توګه مدیریت شوې وه همداراز د امریکایي یرغلګرو او د ګوداګۍ ادارې زیات شمیر لوړ پوړي او ټیټ پوړي مشران او مامورین په ښه شول، همداراز د فراه ولایت د مسؤول والي په توګه مو

دنده تر سره کړې ده چې ښه لاسته راوړني مو درلودې، همداراز د غزني ولایت د مسؤول په توګه مو دنده تر سره کړې ده چې ښه پرمختګونه مو درلودل دیري ولسوالۍ فتحه شوې آن چې ولایت د فتحې تر درشله نږدې شو، باید ووايم د امریکایي اشغال پر وړاندې د جهاد په وخت کې د دوښمن او د هغوی د اجیرانو له لوري دوه ځلي بندي شوی يم همداراز د زابل ولایت د مسؤول په توګه مو دنده تر سره کړې ده چې ښه فعالیتونه تر سره شوه څو ولسوالۍ فتحه شوې، همداراز د ننگرهار د والي په توګه مو دنده تر سره کړې ده هلته مو هم لاسته راوړني درلودې د داعشي خوارجو مرکزونه مو له مینځه یووړل او په پوره توګه د خوارجو ریبڼې له یاد ولایته وختلې، همداراز په دا ورستیو کې چې لویه فتحه لانه وه راغلي د پکتیکا د ولایت د مسؤول په توګه مي دنده تر سره کول هلته مو هم ښې لاسته راوړني درلودې چې لویه هغه یې د فتحې پر مهال د ناپېیلي وضعیت کنترول وو، تر فتحې څو وخت وروسته بیا د ملي دفاع وزارت اړوند د حمایې او امنیت لخوا مسؤولیت راته وسپارل شو چې تر دې دمه همدلته د لخوا د چارسمبالي په توګه دنده تر سره کوم،

دوهم سوال: د حمایې لخوا مسؤولیت کله درته



سپارلشوی دی، کومی لاسته راوړني لری، د پرسونل د روزني په برخه کي څه پلان لری، او امنیتي تدابیر مو څه دي؟

جواب: د اگست د میاشتي تر لویي فتمې درې میاشتي وروسته د حمایې لخوا مسؤولیت راته وسپارل شو کله چي موږ راغلو په لومړیو کي مو ټول شعبات فعاله کړل، امنیتي کمربندونه مو محکم کړل، ځیني ځایونه چي په تیر شل کاله کي توجه نه وه ورته شوې ترمیم او فعاله کړل چي دا هر څه لاسته راوړني دي، د پرسونل د روزني په ارتباط باید ووایم چي موږ په مختلفو برخو کي تعلیمي دورې ورته دائري کړي نظامي دورې، د کمپیوټر کورس دورې، سمینارونه، او شرعي دورې هم داراز په نږدې راتلونکي کي پراخ تعلیمي پروگرام په پام کي نیول شوی چي ډیر ژر به یې تاسو عملي بهیر وویښئ، د امنیتي تدابیرو په هکله چي تاسو وپوښتل ویلای شم موږ مکرراً د دوښمن اهداف تعقیب کړي د داعشو په شمول مو گڼ شمیر د تخریبي او تروریستي کړیو غړي نیولي څو ځایه مو کامیابه عملیات تر سره کړي او د دوښمن هر حرکت مو په نطفه کي خنثا کړی دی.

دریم سوال: ایا په نوموړي لخوا کي د تیر په پرتله کوم تغیر راغلی او ایا ستاسو سره د کابل د تیري ادارې کارکوونکي

شته کنه؟ جواب: هو په یادي لخوا کي ډیر تغیر راغلی کوم چي موږ مثبت تغیر ورته ویلای شو هر څه منظم شوي ټولې ادارې کنترول دي او په عادي توگه یې چاري پر مخ رواني دي، او همداراز باید ووایم زموږ سره تقریباً د دوه زره کسانو په تعداد پخواني افسران او کارکوونکي کار کوي په دوامداره توگه خپلو وظیفو ته حاضر یې د معمول سره سم معاشات تر لاسه کوي او موږ یې وخت پر وخت همکاري کوو

څلورم سوال: د حمایې لواد قوماندان او نمایندې په توگه د چارو د لاینه والي او اسانتیا لپاره مو د ملي دفاع وزارت مقام ته وړاندیز څه دی، همداراز مشرتابه او عامو خلکو ته څه ډاډ ورکولای شی او پیغام مو څه دی؟

جواب: موږ د ملي دفاع وزارت مقام او مشرتابه ته کوم وړاندیز نلرو زموږ هرې ستونزې ته یې پر وخت جواب ویلی، ښه همکاري او هماهنگي سره لرو او مننه ترې کوو، همداراز اطمینان ورکوو چي د وس تر انتهابه د امنیت ټینګولو او مبارزې کولو کي کوشش کوو، او عامو خلکو ته ډاډ ورکوو چي افغان امنیتي او دفاعي مجاهد ځواکونه به ستاسو د مال، ناموس، او عزت ساتنه او دفاع کوي او د هر راز شریرو

عناصرو مخنیوی به کوي، همداراز عامو خلکو ولس ته پیغام ورکوو چي د خپلو مجاهدینو وروڼو سره د امنیت په ساتلو کي همکاري وکړئ او د نا مشخصو او مشکوکو افرادو د لیدو په صورت کي معلومات ورکړئ

څپړيال: مننه کوو چي د ډیرو مصروفیتونو سره سره مو موږ ته وخت را کړ او زموږ پوښتنو ته مو ځواب ووايه

قومندان: له تاسو هم مننه کوو چي زموږ پخ او پیغام تر هیوادوالو رسوئ او هیله کوو چي زموږ فعالیتونه ټولني ته وړاندي کړئ او خپل رسالت په ښه توگه ادا کړئ بریالي اوسئ

والسلام

د حمایې او امنیت لخوا قوماندان الحاج ملا محمد عیسی (یاسین)

فصلنامه
آرندو



عبدالقیوم (نصیر)

انقلاب ردایش را گسترد تا انقلابیون گردآیند، تصمیم بگیرند و به خاطر آزادی، استقلال، سرکوب اشغالگر و بیرون راندنش پلان‌ها طرح نمایند. حین طرح‌ریزی یک پلان شاید کلمات آسان‌ترین چیزی باشد که روی کاغذ آورد. یاد افسانه‌ها و ثبت فداکاری‌ها هم همین‌گونه است اما انجامش را مردان راه و سربازان شجاع می‌باید.

انقلاب این چانس طلایی که بسیاری از مومنان و مسلمانان چون من به آن دست‌یافته بودیم و باید ثمرهای زیادی از آن می‌چیدیم و توشه‌های بیشتری برای سفر آینده، پر خطر و سراسر مشکلات تهیه می‌کردیم و آمادگی‌های لازم را می‌گرفتیم، به مفت از دست رفت. باری به خود می‌اندیشم و می‌گویم که چطور از چندین چاب‌ها، حملات و کمین‌های دشمن زنده بیرون آمدیم و بسیاری چون من در بدترین شرایط جنگی جان سالم به در بردند و هنوز زنده‌اند و روزی می‌خورند؛ ولی بسیاری دیگر چانس موفقیت کسب کردند و چه بسا که بسیاری در اولین تشکیل جهادی به درجه رفیع شهادت نائل گردیدند.

فرصت‌های طلایی انقلاب را به مفتی از دست دادیم. شهادت ارزشمندترین فرصت بود. آری! شهادت. وقتی در پوهنتون بودم و داشتم مضامین ادبیات فارسی را می‌خواندم، فکر و هوشم به شهادت دوخته شده بود. جسد در میان لشکرهای رستم بود؛ چون آنها را می

در جستجوی انقلاب

خواندم ولی روصم در میان لشکر پُرهنه، فداکار، سلمشور و کفرستیز امارت اسلامی.

باری به یکی از رفیق‌ها که محصل بود و مجاهد گفتم که تا چه وقت بی غیرت باشیم؛ قصه‌های پی‌آر، تی و فساد گسترده در ولایت تخار و سایر ولایات غیرقابل تحمل است. دوستم در پاسخ گفت چه باید کرد؟ برایش گفتم بهترین راه به خاطر درس دادن این اشغالگران پلید حمله فدایی با موثر بمب‌گذاری شده است. تصمیمی که هرگز جامه عمل نپوشید... عشق به شهادت و رسیدن به مقامات بلند بهشت در آن عنفوان جوانی و در میان فوران فساد و فتنه و در حالیکه قصه‌های رستم اسفندپار را می‌خواندیم، ادبیات فولکلور را مورد بحث قرار می‌دادیم و دست آوردهای فعالان ادبی در عصر حاضر را به کنکاش می‌گرفتیم، یکی از آرزوهایم بود. در صنف سوم وقتی بدیع و بیان می‌خواندیم، سبک‌های ادبی را مطالعه می‌نمودیم، نثرهای مرسل و مسجع را

به حلاجی می‌گرفتیم، پیرایه‌های ادبی را مورد بحث قرار می‌دادیم؛ روح و روان‌مان در پی پیرایه روح مان بود و هرازگاهی به فکر سنگر، تفنگ، کمین، حمله و شهادت بودیم. شاید خواننده فکر کند که این نوشته‌ها هم از همان انواع نثرهای ادبی است که نویسنده به خاطر جلوه‌دادن هنر خویش وقت صرف کرده است؛ ولی هرگز چنین نیست. این‌ها سخنانی هستند که واقعا به وقوع پیوستند و سخنانی هستند که از ژرفنای قلب بیرون آمده‌اند. اما وقتی اکنون به ایمان و اخلاص می‌نگرم اصلی، خوابگاه، دانشگاه و دانشکده به یاد می‌آید در تعجب فرو می‌روم. سپس این آیت کریمه قانعیم می‌سازد: (وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَبِهِدِ الْهُدَىٰ وَمَنْ يَضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِمَّنْ دُونَهُ) آری! الله عزوجل کسی را هدایت کند هیچ قوتی در زمین نمی‌تواند او را گمراه بسازد، و اگر کسی را خدا گمراه بسازد هیچ قوتی نمی‌تواند او را هدایت نماید، همه به دست آن ذات یکتا و بی‌همتا است. به راستی اگر فضل خدای منان و بی‌همتا نمی‌بود، چگونه یک محصل ادبیات فارسی دری به تمام ظاهر زیبایی‌های دنیا پشت کرده و راه آخرت را در پیش گیرد؟! چگونه به جای گرفتن وظیفه، ازدواج، پول و سرمایه اندوختن به فکر مرگ و شهادت باشد؟



خاطرات یک

حبیب الله (جوزجانی)

مجاهد

از مادر تر

اینکه فتوحات نصیب شد و مهر و محبت مادرم برای همیشه از آن من شد و زندگی مانند گذشته پیش رفت. این سرگذشت در حقیقت سرگذشت خیلی از مادران مجاهدین است. مادران همیشه نگران، غم‌خوار و دل‌سوز ما بودند. سال‌ها آرامش زندگی‌شان را به خاطر ما به ماتم سپری کردند. امروز، بعد از پشت سرگذشت تن همه مشکلات در حقیقت مادران اولین کسانی هستند که مدیون احسان آن‌ها هستیم.

شد و نمی‌توانست خبری از من بگیرد، سر مادرم قیامت می‌آمد و همه را نگران می‌کرد و به گریه و زاری می‌انداخت. ناآرامی و بی‌قراری مادرم کار هر روزش بود و این قدر ادامه پیدا کرد که برای خانواده عادی شده بود. مدت‌ها شب و روز بر همین منوال گذشت تا اینکه روزی موعده دیدار مادر رسید. وقتی مرا از دید، گلویش گرفته بود. از خوشی نمی‌دانست بخندد یا گریه کند! شاید می‌خواست، بلند بلند گریه کند و سوز دلش را خالی کند، اما توجه دیگران اجازه نمی‌داد. مادرم، لرزان لرزان به طرف من آمد و من را به آغوش گرفت، شروع کرد به گریستن و ناگهان بی‌هوش شد و بر زمین افتاد. اوبی‌هوش بود؛ ولی دست من را محکم گرفته بود. این صحنه، همه را به گریه انداخت. بعضی من را ملامت می‌کردند و برخی هم با چشمان اشک‌آلود به چهره مادرم آب می‌زدند. بعد از 15 دقیقه به هوش آمد و همه با هم اتفاق رفتیم. چند روز مادرم با من بود تا

وقتی که من قدم در جبهه جهاد گذاشتم، هیچ‌یک از اعضای خانواده موافق این کار نبودند. پدر، برادر و خواهرانم همیشه به مادرم طعنه می‌دادند که تو فلانی را به مدرسه روان کردی. تو سبب شدی که سلاح به دست بگیرد تو تو... گریه و زاری همراه همیشگی شب و روزهای مادرم بود و گوش آرام از زخم زبان‌های دیگران نداشت. هرگاه جنگی درمی‌گرفت، بی‌تابی به جان مادرم می‌افتید و شب‌ها را با گریه و دعا صبح می‌کرد. روزی خواهرم زنگ زد و گفت: بیدار جان از روزی که مجاهد شدی مادرم نگران تو اس، همیشه در خواب‌هایش نامت ره می‌گیرد. در دعاهایش از تو یاد می‌کنه و همیشه با چشمان تر در فکر تو اس. وقتی صدای جنگ به گوشش می‌رسه، دوروبر حویلی می‌گرده و روزش ره با گریه و دعا و نگرانی می‌گذرانه. من به خاطر آرامش مادرم به ولایت دیگری رفتم تا فکر و ذهنش از من خالی باشد اما جنگ در آنجا جنگ بود؛ هر روز و هر لحظه از زخمی و شهادت مجاهدین سخن گفته می‌شد. مادرم هر روز به من تماس می‌گرفت، اگر روزی برق نمی‌بود یا آنتن قطع می



وقتی به گذشته

ها می نگرم

رصاص (افغان)

وقتی به گذشته‌ها می‌نگرم؛ از اسارت‌ها می‌گویم. از محرومیت‌ها و مصیبت‌هایی که حتی اگر بالای کوه‌ها فرود می‌آمدند، کوه‌ها فرو می‌ریخت و از هم متلاشی می‌شدند.

از انس حقانی می‌نویسم. از صبر و ثبات و پایداری او. از ملا برادر می‌گویم؛ از صلابت و شکست ناپذیری او. از ملا فاضل می‌گویم؛ از قاطعیت و رادمردی‌اش. از اسیران فرعونیان خونین چنگال می‌گویم. از آنانی که دنیا را با وسعتش بر مردانی امثال این‌ها تنگ کرده بودند. بدون اینکه این مردان خدا متزلزل شوند، درهم بشکنند، تنازل نمایند و پای از هدف و مبارزات بی‌امان خویش عقب بکشند.

گاهی به تصاویری خیره می‌شوم که نمودار یک شخص مظلوم، رنج‌دیده و به‌زنجیر کشیده‌ای است که در سلول‌ها و زنجیرها قرار دارد و بعدها در منبر جهانی، زنجیرسازان و زنجیر پردازان تاریخ را پیام رد و انکار و یا هم سازندگی می‌دهد. نموداری از ملافاضل، ملابرادر و امثال آن‌هاست. نموداری از شکوه یک صحنه ویژه که الله متعال

مظلومیت بندگان نیک و خاصش را به تماشا نشسته است و خواست در نتیجه قربانی‌های بی دریغ، صبر و پایداری و محنت و ابتلای آن‌ها برای آن‌ها ترفیع بدهد و از مظلومین بی‌کس و بی‌پناه لایه‌های زور و استکبار و تفرعن گوانتانامو و بگرام و...، وزیران سربلند امروزی در جبروت نظام ا. ا. بسازد. الله ابرو...

شکی نیست که تمام این‌موارد زاییده تداول ایام با معیار خواسته‌های الله متعال بوده چنانکه می‌فرماید: (وَتَلَكُ لَآيَامٌ نُّدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ) در کنار آن، واقعیت‌های موجوده از سرگذشت و واقع حال بزرگان ما، نشانی از کمال اخلاص، تقوا، صبر، استقامت، صلابت و رادمردی رهبران و بزرگان ما است که الله متعال آن‌ها را اسوه و نمونه‌های بارز صفات مزبور در عصر حاضر قرار داده است. آن‌ها چنین اند و ما کسی را بر الله تزکیه نمی‌کنیم.



اشعار

مرد حر

مرد حر محکم ز ورد «لاتخف»
 مابمیدان سر بجیب او سر یکف
 مرد حر از لاله روشن ضمیر
 می نگردد بنده سلطان و میر
 مرد حر چون اشتران باری برد
 مرد حر باری برد خاری خورد
 پای خود را آنچنان محکم نهد
 نبض ره از سوز او بر می جهد
 جان او پاینده تر گردد ز موت
 بانگ تکبیرش برون از حرف صوت
 هر که سنگ راه را داند زجاج
 گیرد آن درویش از سلطان خراج
 گرمی طبع تو از صهبای اوست
 جوی تو پرورده دریای اوست
 پادشاهان در قباهای حریر
 زرد رو از سهم آن عریان فقیر
 سر دین ما را خبر، او را نظر
 او درون خانه ما بیرون در
 ماکلیسادوست، مامسجد فروش
 او ز دست مصطفی پیمانہ نوش
 نی مغان را بنده، نی ساغر بدست
 ماتهی پیمانہ او مست است
 چهره گل از نم او احمر است
 ز آتش ما دود او روشنتر است
 دارد اندر سینه تکبیر امم
 در جبین اوست تقدیر امم
 قبله ما که کلیسا، گاه دیر
 او نخواهد رزق خویش از دست غیر
 ما همه عبد فرنگ او عبده
 او ننگد در جهان رنگ و بو
 صبح وشام مابه فکر ساز و برگ
 آخر ما چیست تلخیهای مرگ
 در جهان بی ثبات او را ثبات
 مرگ او را از مقامات حیات
 اهل دل از صحبت ما مضمحل
 گل ز فیض صحبتش دارای دل
 کار ما وابسته تخمین و ظن
 او همه کردار و کم گوید سخن
 ما گدایان کوچه گرد وفاقه مست
 فقر او از لاله تیغی بدست
 ما پیر کاهی اسیر گرد باد
 ضربش از کوه گران جوئی گشاد
 محرم او شو ز ما بیگانه شو
 خانه ویران باش و صاحب خانه شو
 شکوه کم کن از سپهر گرد گرد
 زنده شو از صحبت آن زنده مرد

صحبت از علم کتابی خوشتر است
 صحبت مردان حر آدم گر است
 مرد حر دریای ژرف و بیکران
 آب گیر از بحر و نی از ناودان
 سینه این مرد می جوشد چو دیگ
 پیش او کوه گران یک توده ریک
 روز صلح آن برگ و ساز انجمن
 هم چو باد فرودین اندر چمن
 روز کین آن محرم تقدیر خویش
 گور خود می کند از شمشیر خویش
 ای سرت گردهم گریز از ما چوتیر
 دامن او گیر و بیتابانه گیر
 می تروید تخم دل از آب و گل
 بی نگاهی از خداوندان دل
 اندر این عالم نیوزی باخسی
 تا نیاویزی بدامان کسی

د رحمان باباله دیوان خُخه

ز غره واغونده ملا وتره په جنگ
 دغه پسه معرکه کوه د ننگ
 و بی ننگ و ته د ننگ خبرې مه کړه
 یا خان وکنه په خپلو وینو رنگ
 ننکیالی چې یو ځل مخ کاپه کوم لوري
 نور هیڅ نه وینی کوهی وی که کرنک
 هیڅ له ځایه له جهانہ خبر نه وی
 چې څراغ په نظر کیوزی د پتنک
 د بلبلو و چمن و ته پرواز وی
 سمندر کا مدام اور و ته آهنگ
 که جهان و بی هنرو ته فراخ وی
 یو لحد دی هنرمندو لره تنک
 هغه شهر جوهری لره زندان وی
 چې یکسان وی پکې لعل و مردار سنگ
 آسمان زمکه دواړه ژامې د نهنک دی
 څه به زیست کا څوک په خوله کې د نهنک
 په بنادی یې هیڅ بناد مه شه که دانایې
 غم بنادی دی د دې دهر څنگ په څنگ
 که رحمان د هغو تلیو وصال مومی
 تیر به نه کاپه دا دور کې یو درنگ



بعد از پیروزی امارت اسلامی، موج گسترده بیرون شدن از کشور آغاز شد. این بیرون شدن ها، ناشی از تبلیغات زهراگین عوامل غربی و هم پیمانان شان بوده است. در این جریان بزرگترین سرمایه های معنوی کشور (کدر های ملکی و نظامی) وطن را ترک کردند. این در حال بود که رهبری امارت اسلامی افغانستان فرمان عفو عمومی را صادر نمود و به تمام هموطنان پیام اطمینانیه بود که نه تنها وطن را ترک نکنند، بل مطمئن باشند که سر، مال و عزت شان در امان است.

امانامیدی مردم که از سال های قبل به یک امر معمول تبدیل شده بود، زمینه را برای بیرون شدن افغان ها مساعد ساخت که عوامل عمده آن را فقر اقتصادی، بیکاری و آشفتگی بازاری دنیای سیاست تشکیل میداد. باید پذیرفت که فرار راه حل نیست. قشر جوان و تحصیل کرده کشور نباید اعتماد و باور شان را از دست بدهند و لزوماً قاطعانه در برابر دسایس دشمنان مردم افغانستان و مشکلات زودگذر ایستاده گی نمایند. آنچه که خیلی مهم و باارزش است، احساس امنیت است. پس باید شکر گزار بود که بعد از چندین دهه امنیت سرتاسری در کشور حکم فرما شده است. کشور هایکه اباد هستند، ثمره استادگی مردم و جوانان آن در برابر مشکلات و حاصل کار و زحمت آنان بوده است. جا دارد تا اشاره چند در خصوص کدر های نظامی که سرمایه معنوی کشور استند، داشته باشیم. قدرت اساسی و نیروهای اساسی یک کشور را نیروهای نظامی آموزش دیده، مسلکی و با تجربه آن کشور تشکیل میدهد. که غیر جانبدارانه برای حفاظت و حراست از استقلال ملی، ارزشهای اسلامی و ملی و منافع ملی آماده خدمتگذاری میباشند. تبلیغات و شایعات نامناسب زمینه را برای فاصله گرفتن نظامیان سابق فراهم ساخت که خوش بختانه خیلی کوتاه مدت بود. در این میان، رهبری وزارت دفاع ملذی زمینه های لازم و تدریجی اجرای وظیفه و کار عملی را برای نظامیان در کنار مجاهدین امارت اسلامی مساعد نموده است. نگارنده مشهود است، که هم اکنون افسران، بریدملان، مامورین، کارمندان و کارکنان خدمات ملکی کمافی السابق بالای کار شان حاضر هستند و بدون هیچ گونه تبعیض و در فضای اخوت اسلامی برای منافع علیای کشور باهم مشترک کاری کنند. ضمناً قابل تذکر است که معاشات و امتیازات تمام کارمندان به وقت و زمان معین اجراء و پرداخت شده است. بر علاوه این موارد، مساعدت های لازم مالی نیز به منسوبین وزارت دفاع ملی صورت گرفته است. تلاش های جدی و همه جانبه جریان دارد تا کدر های نظامی پیشین به وطن برگردند و برای شگوفایی، آبادی وطن و تقویت صفوف نیروهای دفاعی کشور سهم فعال و ارزنده شان را به پیش ببرند. این در حالیست که چندی قبل یک تعداد پیلوتان قوای هوایی کشور که به خارج از کشور رفته بودند، دوباره به وطن برگشتند. جلالتمآب مولوی محمد یعقوب مجاهد سرپرست وزارت دفاع ملی از نزدیک با پیلوتان در دفتر کارش دیدار نمود. شایان ذکر است که برخلاف رهبری های سابق در وزارت دفاع ملی، جناب مولوی صاحب جوان در هر موقع با منسوبین وزارت دفاع ملی در تمام قدمه ها از نزدیک ملاقات نموده است. نگارنده، این اقدام رهبری وزارت دفاع ملی را به دیده قدر نگرسته و پیام واضح و روحیه بخش برای سایر کدر های نظامی می پندارد. و از کدر های نظامی و آموزش دیده که به گونه های متفاوت به خارج از کشور رفته اند، تقاضا میشود تا برای آینده شگوفای و آباد کشور مجدداً سهمیم شوند و به بیگانگان یکبار دیگر نشان دهند که افغانان باهم برادر اند و برای ترقی و پیشرفت کشور بدون هیچ گونه تبعیض کار می کنند و ثابت می سازند که این جا (افغانستان) خانه ماست. (مدبر)





به کسی اجازه نمی دهیم تا امنیت افغانستان را از داخل و خارج اختلال کند.

مولوی محمد یعقوب (مجاهد)

چاپ: مطبعه ریاست مخابره تکنالوژی و معلوماتی ستر درستیز